





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سلسله کتاب‌ها  
دوره آموزش پایه  
ویژه انجمن جماعت

## اجماعیت

تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد  
انتشار: چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷  
طراح جلد و مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه  
جنوبی، نبش کوچه عطار د. پلاک ۵.  
کد پستی: ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹  
تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷  
[www.masjed.ir](http://www.masjed.ir)



## فهرست

گزیده فرمایشات امام خمینی <small>علیه السلام</small>	۱۱
گزیده فرمایشات مقام معظم رهبری <small>مد ظله العالی</small>	۲۱
مسجد هسته مقاومت	۴۳
شاخص های امام جماعت مسجد تراز اسلامی	۷۳
۵۰ ویژگی امام جماعتی که مدیر طبیعی مسجد است	۸۳









## دیباچه

در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت مادرست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»<sup>۱</sup>

در تمام این سالها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز رَضِيَ اللهُ عَنْهُ که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های خود را در مرکز رسیدگی

۱. ۵۹/۴/۲۰

به امور مساجد که به تعبیر مقام معظم رهبری، به عنوان «مرکز و مرجع مقبول، آگاه و نافذالکلمه ای در امر مساجد» محسوب می شود، در حوزه های مطالعاتی، برنامه ای و عملیاتی تجمیع و تدوین نموده و به محضر صاحب نظران، دست اندر کاران و کارگزاران عرصه مسجد تقدیم نماییم.

امید است ضمن مطالعه و بهره مندی از این مجموعه، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، در تکمیل هر چه بهتر و کیفی محصولات در حوزه مدیریت مسجد، سهیم باشید. فراموش نکنیم «چنانچه مساجد کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه، مردم و مسئولان برداشته خواهد شد»<sup>۲</sup>.

## مرکز رسیدگی به امور مساجد

<sup>۱</sup>: ابلاغیه ی رهبر معظم انقلاب به آیت الله مهدوی کنی برای تاسیس مرکز

<sup>۲</sup>: رهبر معظم انقلاب - ۱۳۹۰/۷/۱۹

## مقدمه

معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد، با هدف ارائه محتوایی امین و کاربردی و با برگزاری دوره‌های آموزشی نظری و کارگاهی، برای کارگزاران مساجد اعم از ائمه محترم جماعات، خدام و اعضای هیئت امناء، فعالیت‌های آموزشی خود را سازماندهی نموده است. این معاونت حسب احصای نیازهای هر گروه از کارگزاران مسجد و ناظر به اولویت‌های برنامه‌ای، دوره‌های مدونی را با دعوت از اساتید مجرب و کارگشته، ضمن ارائه بسته‌های محتوایی برگزار می‌نماید.

یکی از این دوره‌ها که برای ائمه جماعات برگزار می‌گردد، دوره آموزش‌های پایه ائمه جماعات است. در این دوره، تلاش بر این است تا این عزیزان در دو حوزه دانشی و مهارتی تخصص و تجربه لازم را کسب نمایند. بخش‌هایی از محتوای آموزشی این دوره با عنوان امامت جماعت، پیش روی شماست. این کتاب شامل مباحث اساسی در برخی موضوعات دانشی و برخی مفاهیم مهارتی بلاخص در حوزه مدیریت مسجد است.

شایان ذکر است آنچه در قالب این مجلد به حضور ارائه می‌گردد، ویراست اول

این کتاب بوده و طبیعتاً با توجه به اینکه چنین اثری، اولین تجربه معاونت در این حوزه خاص است، خالی از ایراد و اشکال محتوایی و ویرایشی نخواهد بود. معاونت جذب و آموزش مرکز رسیدگی به امور مساجد، آماده پذیرش پیشنهادات سازنده صاحب نظران، ائمه جماعات و سایر کارگزاران مساجد در راستای بهینه‌سازی محصولات و محتواهای آموزشی است.

### **مرکز رسیدگی به امور مساجد**

گزیده فرمایشات امام خمینی رحمته الله علیه

پیرامون مسجد



## مسجد خاستگاه اصلی مبارزه با ظلم

این مساجد است که این بساط را درست کرد. این مساجد است که نهضت را درست کرد. در عهد رسول الله ﷺ هم، و بعد از آن هم تا مدت‌ها، مسجد مرکز اجتماع سیاسی بود؛ مرکز تجییش جیوش بود. «محراب» یعنی مکان حرب؛ مکان جنگ: هم جنگ با شیطان، و هم جنگ با طاغوت. از محرابها باید جنگ پیدا بشود؛ چنانکه پیشتر از محرابها پیدا می‌شد از مسجدها پیدا می‌شد. ای ملت! مسجدهای خودتان را حفظ کنید. ای روشنفکران مسجدها را حفظ کنید، روشنفکر غربی نباشید. روشنفکر وارداتی نباشید! ای حقوقدان‌ها! مسجدها را حفظ کنید. بروید به مسجد؛ نمی‌روید! این مسجدها را حفظ کنید تا این نهضت به ثمر برسد؛ تا مملکت شما نجات پیدا کند. خداوند ان شاء الله این مسجدها را برای ما حفظ کند. (۱۳۵۸/۳/۱۵)

## مسجد منزوی و اسلام منزوی

آن اسلامی که به درد جامعه نرسد، و آن اسلامی که به درد حکومت جامعه نرسد، آن اسلام منزوی است. اسلام منزوی در مساجد بود. با اسم اسلام، اسلام

را منزوی کردند در چهار دیوار مساجد، مساجد بی تحرک. مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. اینطور نبوده است که در مسجد پیغمبر ﷺ همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده. هر وقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را. مع‌الأسف در دنبال تبلیغات از صدر اسلام یعنی، بعد از یک مدتی تا زمان ما مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می‌شد. محکوم کردن اسلام به این نیست که یک کسی بگوید من اسلام را محکوم می‌کنم، محکوم کردن اسلام بر این است که آن چیزی که اسلام می‌خواهد در مسجد زیر پا گذاشته بشود. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان، برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت بکنند.

(۱۳۶۲/۵/۲۵)

### کارکردهای اجتماعی و سیاسی مسجد

مسجد مرکز تبلیغ است. در صدر اسلام از همین مسجدها جیشها، ارتش‌ها، راه می‌افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلام بوده مسجد. هر وقت یک گرفتاری پیدا می‌شد، صدا می‌کردند که «الصلوة بالجماعة»، اجتماع می‌کردند؛ آن گرفتاری را طرح می‌کردند، این صحبت‌ها را می‌کردند. مسجد، مرکز اجتماع سیاسی است. و از این یک قدری وسعتش زیادتر، می‌شود نماز جمعه.

(۱۳۵۸/۶/۲۶)

### مسجد ضرار

وقتی که ما می‌بینیم که مملکت ما از سینمایش گرفته تا مدرسه‌اش استعماری است؛ یعنی از خارج آوردند اینها را برای ما، تحفه‌هایی است که از آنجا آوردند



برای فاسد کردن نسل جوان ما، همه چیزش را، اگر مسجد هم یکوقت اینطور شد، ما در آن را می‌بندیم. اگر مسجدی شد که این مسجد دعوتش دعوت فاسد شد، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خراب کرد «مسجد ضرار» را، مسجدی که درست کرده بودند در مقابل پیغمبر، و تبلیغات می‌کردند بر ضد اخلاق و بر ضد امثال ذلک؛ پیغمبر داد خرابش کردند. اگر مسجدی باشد که مسجد ضرار باشد، مسجدی باشد که نتوانیم آن مسجد را اصلاحش کنیم، مسجدش [را] هم خراب می‌کنیم؛ نه اینکه سینمایش را. (۱۳۵۷/۷/۲۷)

### مسجد و خیزش اسلامی مبارزه با غرب

مسجد و منبر در صدر اسلام مرکز فعالیتهای سیاسی بوده. جنگهایی که در اسلام می‌شده است بسیاری از آن از مسجد طرحش ریخته می‌شد یا از منبر حضرت امیر علیه السلام به حسب بعضی خطبه‌هایی که در نهج البلاغه جمع شده است، خطیب بزرگ و فخر خطباست، با آن خطبه‌های بزرگ مردم را تجهیز می‌کردند برای دفاع از اسلام. و همین طور دستورهای اخلاقی، دستورهای عقیدتی، و همه چیز، در این کتاب مقدس هست. مسجد جایی بوده است که از آنجا شروع می‌شده است به فعالیت‌های سیاسی. منبر هم جایی بوده است که محل خطبه‌ها بوده است، خطبه‌های سازنده و سیاسی. مع‌الأسف تبلیغات زیادی از شاید قریب سیصد سال پیش از این شده است؛ یعنی از آن وقتی که غرب به اینجاریه پیدا کرده، و مطالعات در حال مردم شرق عموماً کرده‌اند و رسیدگی به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مردم شرق آنها کرده‌اند، و آن وقتی که وسایل رفت و آمد مثل حالا نبوده است. در تاریخ می‌بینید که با شتر حرکت می‌کردند، این بیابانهای مملکت ما را بررسی می‌کردند، تمام جاها را اینها بررسی کردند. و تمام مخازن ما را بهتر از ما

مطلع اند و تمام گروه‌های کشور را، چه مرز نشین‌ها و عشایر و چه مرکز نشین‌ها و روشنفکرها، همهٔ این را اینها مطالعه کردند، و به آن نتیجه رسیدند که مسجد و محراب را و دانشگاه را باید به یک وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد. یعنی آن نتیجه‌ای که اسلام از مسجد و منبر و از دانشگاه می‌خواهد حاصل بشود خنثی کنند... (۱۳۵۸/۳/۲۷)

### مسجد کانون اصلی مبارزه با ظلم و استکبار

مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در زیر آبیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبشها بوده است. شما که از اهالی مسجد و از علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامی و برای قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفین در مقابل مستکبرین قرار بدهید. (۱۳۵۸/۱/۳۱)

### مسجد موثر در امور سیاسی متفاوت از کلیسا

مسیحیون خیال نکنند که اسلام هم، مسجد هم، مثل کلیساست. مسجد وقتی نماز در آن برپا می‌شده است تکلیف معین می‌کرده‌اند؛ جنگها از آنجا شالوده‌اش ریخته می‌شده است؛ تدبیر ممالک از آنجا، از مسجد شالوده‌اش ریخته می‌شده است. مسجد مثل کلیسا نیست. کلیسا یک رابطهٔ فردی مابین افراد و خدای تبارک و تعالی - عَلٰی زَعْمِهِمْ - هست لکن مسجد مسلمین در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان خلفایی که بودند هر جور بودند مسجد مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبهٔ جمعه مطالب سیاسی است

مطالب مربوط به جنگها، مربوط به سیاست مدن، اینها همه در مسجد درست می شده است؛ شالوده اش در مسجد ریخته می شده است در زمان رسول خدا و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر (علیه السلام) (۱۳۴۴/۸/۲۳)

### لزوم اهتمام به مسجد در هر زمان

مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت مادرست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است. ما اگر نماز نباشد و آداب اسلامی نباشد، چه داعی داریم که بیاییم خودمان را به مهلکه بیندازیم و وارد این امور بشویم؟ ما برای اسلام این کارها را می کنیم و شما ملت برای اسلام قیام کردید، و برای اسلام اینهمه زحمت کشیدید و دارید می کشید. مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است، بسط فقه اسلام است و آن مساجد است، اینها را خالی نگذارید. (۱۳۵۹/۴/۲۰)

### حفظ مساجد و رونق بخشی به آنها

اینها ضربه ای که از روحانیت خوردند از هیچ کس نخوردند. برای اینکه می گویند ضربه ای را که دیگران هم زدند به ما، اینها و ادارشان کردند. مساجد ما مردم را وادار کرد. پس باید مساجد ما را شروع کنیم بشکنیم. اینکه می آیند مساجد ما را می خواهند خلوت کنند، و بیچاره جوانها و متدینین ما هم اشتباهاً به خطا می روند، این است که مساجد ما کم کم امسال یک قدری ماه رمضان کمتر باشد، سال دیگر یک خرده کمتر. بعد از ده سال، پانزده سال دیگر هیچی بشود. آنها عجله ندارند؛ بتدریج هر چه شد. شما باید هوشیار

باشید که مسجدهایتان و محرابهایتان و منبرهایتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق. شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید، حالا باید بروید دنبال این مرکز معجزه، نه رها کنید او را. شمایی که از اسلام یک همچو معجزه‌ای دیدید که همه قدرت‌ها را به هم شکست، نه فقط ابر قدرت‌ها را، قدرت‌های دیگر را هم به هم شکست، ملت ما که از اسلام این معجزه را دارد نباید در اسلام سستی کند.

(۱۳۵۹/۴/۲۰)

### مسجد قدرتمند پشتیبان ملت و دولت

من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها. حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او بسته است. ماه مبارک رمضان و بعد از ماه مبارک رمضان هم، مسجدها را آباد کنید. من در مکه که مشرف بودم یک روز می‌خواستم یک کتابی بخرم که برای آن کتابفروش هم فایده داشت، ایستاده بودم، اذان گفتند، یکدفعه رها کرد و گفت که: «سنّه حنقیّه» دیگر با من حرف نزد، رفت سراغ نماز. در مدینه بازار را که من دیدم بسته بود. یعنی باز بود لکن هیچ کس نبود. می‌رفتند سراغ نماز. چرا شما نمی‌روید سراغ نماز؟ چرا ظاهر که می‌شود بازار را رها نمی‌کنید و بروید سراغ نماز؟ اگر بروید سراغ نماز، احیاء کنید این سنت سیاسی اسلام را، همان طوری که در روز جمعه حالا بحمدالله می‌روید، روز غیر جمعه هم بروید مساجد را پر کنید. اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد ترس از فانتومها نداشته باشید. ترس از امریکا و شوروی و اینها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام.

پشت کنید به مساجد. (۱۳۵۹/۴/۲۰)

### مساجد سنگر مقابله با دشمن

این مسجدها را سنگر قرار بدهید برای اسلام. در صدر اسلام، از این مسجدها

همه چیز بیرون می‌رفت؛ مسجد محل قضاوت بود، مسجد محل چه بود، مسجد محل بسیج بود. بسیج سپاه بود، این مسجدها را باید شما محکم نگه دارید. نگویند به شما که دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؛ ما انقلاب کردیم؛ ما انقلاب کردیم مسجد درست کنیم. ما برای خدا انقلاب کردیم. شما، ملت ما انقلاب کرده است و از زبان ملت است که «جمهوری اسلامی». جمهوری اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد. این مساجد سنگرهای اسلام است. محراب محل حرب است. اینها سنگرند برای اسلام. حفظ کنید اینها را. گول نخورید از این اشخاصی که می‌خواهند بازی بدهند که «آقا شما چکار دارید به این کارها، دارند خودشان می‌کنند!» (۱۳۶۰/۴/۱۰)

### نقشه خاص دشمن برای مساجد نشان از اهمیت این جایگاه دارد

توطئه برای این است، که اینها در کار نباشند. اینها می‌گویند که روحانی‌ها بروند در مسجدها و همان جانماز جماعت بخوانند. بسیار خوب، شما می‌گذارید روحانی‌ها در مسجد نماز جماعت بخوانند؟ شما توی همان مسجد هم می‌روید یک عده‌ای را از اشرار می‌برید. یک نفر آدمی که از اسلام هیچ اطلاع ندارد جلو وامی‌دارید. صورت نماز درست می‌کنید برای اینکه، مسجد را هم از اینها بگیرد. قضیه این نیست که اگر روحانیین دست برداشتند از کارهای ارزنده‌ای که دارند می‌کنند و رفتند تو مسجدها، رهایشان کنند. می‌خواهند مسجدها را هم از روحانی پاک کنند باصطلاح خودشان. می‌خواهند مسجدها را از مسلمانها بگیرند. شما دیدید در زمان محمدرضا برای هر مسجدی در مساجد تهران، که مُسَلَّم جاهای دیگر هم شاید بوده - نمی‌دانم - یک نفر سرهنگ بازنشسته منحرف ساواکی را گذاشتند آنجا برای مراقبت کردن اوضاع. اگر اینها دست بردارند از این کاری که انجام دادند و به وسیله آنها انجام گرفته است، از اینها دست بر می‌دارند اینها؟ یا خیر، مسجد هم نباید داشته

باشند؟ آن روز می گفتند عمامه هم نباید داشته باشند. حالا هم به آن خواهد رسید اگر شما مسلمانها سست بگیرید... شما می گذارید اینها (روحانیون) تو مسجدها باشند؟ یا اینکه تو مسجد هم وقتی که آمده است یک آقایی دارد نماز می خواند، یک دسته ای پامی شوند می آیند و می ایستند نماز می خوانند برای شکستن این نماز. برای بیرون کردن این روحانی از مسجد. می خواهند این سنگر را از شما بگیرند. مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است، حرب است. این را می خواهند از دست شما بگیرند. میزان هم همین نیست که این را بگیرند. اینها مقدمه است، والا هی بروید نماز بخوانید.

اما اینها از مسجد بد دیدند، خصوصاً در این دوسه سال اخیر. در این دوسه سال اخیر، مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می کرد. اینها می خواهند این سنگر را بگیرند. (۱۳۵۹/۸/۲۶)

مدظلله العالی  
گزیده فرمایشات مقام معظم رهبری  
پیرامون مساجد، روحانیون و ائمه جماعات





## آغاز انقلاب از مساجد

انقلاب از خانه مذهب - یعنی مسجد و مدرسه دینی آغاز شد و جهت گیری مذهبی در انقلاب روز به روز افزایش پیدا کرد و نقش مذهب و ارزش‌های معنوی، آن قدر قوی شد که کسانی را به میدان انقلاب کشاند که معمولاً در هیچ انقلابی، این گونه آدم‌ها را به میدان نمی‌آیند. (۱۳۸۹/۸/۱۸)

## مسجد نقطه اتصال دنیا و آخرت

در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، درهم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به تراز اسلامی آن نزدیک می‌کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه‌های مکتب اسلام است. (۱۳۸۹/۷/۱۸)

## مساجد کانون حفظ دین

هر چه می‌توانید در مورد مساجد کار بکنید، خیلی خوب است، مساجد کانون دین است، الان هم همین است. هیچ چیز جای مسجد را پر نمی‌کند؛ یعنی

سلولی است که آدم به تنهایی نگاه می‌کند، ولی همین مساجد است که فضا را فضای دینی نگه می‌دارد و معارف را از نسلی به نسلی منتقل و بادین آشنا می‌کند. (۱۳۷۷/۱۰/۱۹)

### جایگاه مسجد در شکل‌گیری انقلاب‌های مردمی

مسجد نه فقط در زمان ما و نه فقط در کشور عزیز اسلامی ما بلکه در نقاط مختلف عالم و در طول تاریخ منشأ آثار بزرگ و نهضت‌ها و حرکتهای اسلامی بزرگی شده است مثلاً قیام مردم کشورهای شمال آفریقا که مسلمان هستند مثل الجزایر و دیگر کشورهای که سالها در زیر سلطه نظامی استعمار فرانسویها بودند از مساجد شروع شد که به پیروزی هم رسید و کشورهای استقلال پیدا کردند انقلاب در این کشورها هم آن روزی رو به شکست رفت و دوباره ملت‌ها استقلال خودشان را از دست دادند که رابطه خود را با مساجد و با دین و ایمان مساجد قطع کردند (۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

### مسجد محل حفظ امید مردم به اسلام و انقلاب

حضور در مساجد همیشگی بشود، ائمه جماعات به محتوی حرف‌ها و مسائلی که می‌گویند، موعظه‌ای که می‌کنند و حدیثی که می‌خوانند، بیفزایند و مهمتر از همه، باید مردم را به دین و به نظام دینی و به آینده دینی امیدوار نگه دارید، این وظیفه همه ماست. امیدوار نگه داشتن مردم در همه احوال، تکلیف بزرگی است که بر دوش همه است. (۱۳۷۳/۸/۴)

### مساجد مراکز تصمیم‌گیری از صدر اسلام

در صدر اسلام هم در زمان نبی مکرم اسلام ﷺ و همچنین در زمان حکومت بابرکت امیر المؤمنین (علیه السلام) مسجد مرکز همه تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای

بزرگ بود نمی‌خواهیم از لحاظ وضع زمان مسجد امروز را به مسجد کوفه زمان امیرالمؤمنین تشبیه کنیم زیرا اقتضاهای هر زمان متفاوت است به‌طور کلی مسجد به عنوان یک پایگاه دین عبودیت و معرفت می‌تواند برای جوامع اسلامی منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد. (۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

### نقش مسجد در شکل‌گیری انقلاب اسلامی

یکی از علل پیروزی این انقلاب مبارک در ایران اسلامی و یا لاقلاً سهولت این پیروزی این بود که مردم به مساجد اقبال پیدا کردند جوانان مساجد را پر کردند و علمای اعلام مساجد را به عنوان مرکزی برای تعلیم تربیت روشنگری افکار و اذهان مورد استفاده قرار دادند و مسجد مرکزی برای حرکت آگاهی نهضت و افشای اسرار زمامداران فاسد و خودفروخته رژیم طاغوت شد در دوره مشروطیت هم همین‌طور بوده است در دوره ملی شدن صنعت نفت هم تا حدودی همین‌طور بود در زمان انقلاب هم که این مسأله به حدّاعلی رسید.

(۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

### نقش مسجد به عنوان دانشگاه و مدرسه

ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند اگر کسی خیال کند که در مسجد فقط چند رکعت نماز می‌خوانند و بیرون می‌آیند و این چه تأثیری دارد خطاست این‌طور نیست، اولاً اگر همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود خود نماز که به زبان مُشَرَّع مقدّس نماز و اذان خیر العمل و فلاح است مایه برکات زیادی می‌شود نماز یک ملت را به قیامِ الله و ادار می‌کند نماز انسانها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند. علاوه بر آن مسجد فقط برای نماز نیست در مسجد انواع عبادات هست از جمله آن عبادات تفکر است

که «تفکر ساعه خیر من عبادہ سنہ» یا در بعضی از روایات است که «من عبادہ اربعین سنہ» یا «سبعین سنہ» البته فکر کردن درست. افراد مسجد برو این فکر را به وسیله شنیدن سخنان عالم دین و فقیه به دست می آورند بنابراین مسجد هم مدرسه است هم دانشگاه هم مرکز تفکر و تأمل هم مرکز تصفیه روح هم مرکز خلوص و مرکز اتصال بنده به خداست ارتباط زمین و آسمان است جایی است که انسان خود را به منبع لایزال فیض و قدرت وصل می کند انسان در مسجد خود را به خدا متصل می کند بنابراین باید قدر مساجد را دانست باید در مساجد حضور پیدا کرد. (۱۳۷۵/۱۰/۱۹)

### مسجد جایگاه بی بدیل مردم و روحانیت

وظیفه ما چیست؟ اولین وظیفه ما این است که این نقش روحانیت اصیل را جدی بگیریم.... مسجد، جلسه مذهبی، نشستن روبه روی مردم دهان به دهان و نفس به نفس با مردم حرف زدن یک نقش بی بدیل دارد و هیچ چیزی جای این را نمی گیرد و این هم مال شماست. گروههای سیاسی خودشان را می کشند که بتوانند یک چنین نقشی را به دست آورند اما نمی شود. شما که معمم و روحانی هستید یا آن خانم طلبه یا مبلغ وقتی در مقابل مخاطبان خودش قرار می گیرد و می داند روحانی است دلبستگی و دلدادگی و اعتماد به او از نوع دیگری است و ربطی به اعتماد به بقیه ی گویندگان و سخنوران ندارد. ما باید این نقش را قدر بدانیم، قدر مساجد را بدانیم قدر جلسات مذهبی را بدانیم و مسجد مورد بی اعتنائی قرار نگیرد. من بار و روحانیونی که در یک اداره ای مشغول کار می شوند در حالی که پیشنهاد فلان مسجد هم هستند مخالفم چون یک روز در هفته دوروز در هفته سه روز در هفته برای اقامه ی نماز جماعت به مسجد نمی روند. می گوییم چرا؟ می گوید گرفتار شدم سرم شلوغ بود. یا

می‌رود نماز ولی دیر می‌رود مردم در صف جماعت منتظر نشسته‌اند حالا آقا بعد از مدتی دوان دوان می‌آید گاهی یک کیف سامسونت هم دستش است من با این روش موافق نیستم. پیشنهاد مسجد باید مسجد را خانه‌ی خود جایگاه خود و اداره‌ی خود بداند وقتی وارد مسجد شد «کالسمک فی الماء» باید باشد احساس کند که اینجا جای اوست و عجله‌ای برای بیرون رفتن از مسجد نداشته باشد این درست است. جلسات مذهبی هم همین طور است. البته در درجه‌ی اول مسجد بعد هم در درجه‌ی بعد جلسات مذهبی.... (۱۳۸۵/۸/۱۷)

### جایگاه مسجد در سلامت روانی شهر و اجتماع

روح مسجد، کالبد زندگی را پر نشاط و پرانگیزه می‌سازد. در هر جا سامان زندگی است، مسجد، مرکز و کانون اصلی است. در بنای شهر و روستا، در مدرسه و دانشگاه، در مراکز جمعیتی از بازارهای کسب و کار تا فرودگاه‌ها و جاده‌ها و پایانه‌های سفری و تا آسایشگاه‌ها و بیمارستانها و بوستانها و گردشگاهها، در همه و همه باید مسجد را همچون قطب و محور بنا نهاد. مسجد در همه جا باید پاکیزه، زیبا و آرامبخش باشد. مدیریت محتوایی و معنوی مسجد که بر دوش روحانی مسجد است باید خردمندان و مسئولان، و حتی عاشقانه باشد. حوزه‌های علمیه برای آماده‌سازی روحانی در این تراز، وظیفه‌ای ذاتی و طبیعی دارند. اگر مسجد، کیفیت شایسته‌ی خود را بیابد، هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه و مردم و مسئولان برداشته خواهد شد. (۱۳۹۰/۷/۱۹)

### مسجد نشانه اصلی اسلام در تمام دنیا

ما بارها، مکرر به آقایان ائمه جمعه، ائمه‌ی جماعت و روحانیون محترم در شهرستانها، در تهران توصیه کردیم که مساجد باید آباد باشد؛ صدای اذان باید

از مساجد بلند شود. باید همه نشانه‌های توجه به نماز و اقامه‌ی نماز را در شهر اسلامی - بخصوص در شهرهایی مثل تهران و شهرهای بزرگ کشور - ببینند، باید احساس کنند؛ هم مردم خودمان، هم کسانی که وارد این شهرها میشوند. نشانه‌های اسلامی باید واضح و آشکار باشد؛ کما اینکه در مهندسی‌های ما باید نشانه‌های اسلامی آشکار باشد. صهیونیستها هر نقطه‌ی دنیا که خواستند یک ساختمانی بسازند، آن علامت نحس ستاره‌ی داوود را سعی کردند یکجوری رویش تثبیت کنند. کار سیاسی‌شان اینجوری است. ما مسلمانها نشانه‌های اسلامی و مهندسی اسلامی را باید در همه‌ی کارهایمان، از جمله در باب مهندسی بایستی مراعات کنیم. (۱۳۸۷/۸/۲۹)

### مسجد ما من همه افراد اجتماع

روحانی پرهیزگار، خردمند، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه‌ی حیات مسجد است. امامان جماعت باید آماده‌سازی خویش برای طبابت معنوی را وظیفه حتمی خود بدانند و مراکز رسیدگی به امور مساجد و حوزه‌های علمیه در همه جا آنان را یاری دهند. مساجد باید مدرّسِ تفسیر و حدیث و منبرِ معارف اجتماعی و سیاسی و کانون موعظه و پرورش اخلاق باشد. زمزمه محبت متولیان و مدیران و امنای مساجد، باید دل‌های پاک جوانان را مجذوب و مشتاق کند. حضور جوانان و روحیه‌های بسیجی باید محیط مسجد را زنده و پرنشاط و آینده‌پو و لبریز از امید سازد. میان مسجد و مراکز آموزشی در هر محل، همکاری و پیوند تعریف شده و شایسته‌ای برقرار گردد. چه نیکوست که دانش‌آموزان برجسته و ممتاز در هر محل، در مسجد و در برابر چشم مردم و از سوی امام جماعت، تشویق شوند. مسجد باید رابطه‌ی خود را با جوانانی که از دواج میکنند، با کسانی که

به موفقیت‌های علمی و اجتماعی و هنری و ورزشی دست می‌یابند، با صاحب هم‌تانی که کمک به دیگران را وجهه‌ی همت می‌سازند، با غم‌دیدگانی که غمگساری می‌جویند، و حتی با نوزادانی که متولد میشوند، برقرار و مستحکم کند. مسجد باید در هر منطقه و محل؛ مأمن و مایه‌ی خیر و برکت باشد و به طریق اولی، وسیله‌ی زحمت و آزار مجاوران نگردد. پخش صداهای آزاردهنده بویژه در شب و هنگام آسایش مردم، کاری ناروا و در مواردی خلاف شرع است. تنها صدائی که باید از مسجد در فضا طنین بیفکند بانگ اذان با صوت خوش و دلنواز است. (۱۳۸۹/۷/۲۰)

### مسجد محور شهر سازی اسلامی

در مورد کمبود مسجد و نمازخانه در مراکز پر جمعیت. این را باید دوستانی که از دولت اینجا تشریف دارند - وزیرای محترم که اینجا تشریف دارید - در دولت به طور جد مطرح کنید. همه‌ی کارهای مهندسی بزرگ بایستی یک پیوست مسجد و نمازخانه داشته باشد. وقتی مترو طراحی میکنیم، برای ایستگاه مترو، مسجد در آن ملاحظه شود؛ ایستگاه قطار طراحی میکنیم، فرودگاه طراحی میکنیم، مسجد در آن حتماً دیده شود. شهرک طراحی میکنیم، مسجد در مراکز لازم که ممکن است بیش از یکی لازم باشد، در او حتماً ملاحظه شود. آیا ممکن است ما یک شهرک را طراحی کنیم، خیابان کشی او را فراموش کنیم؟ میشود شهرک بدون خیابان؟ باین چشم باید به مسجد نگاه کرد. شهرک بدون مسجد معنی ندارد. وقتی انبوه‌سازان ساختمان میخواهند مجوز بگیرند برای انبوه‌سازی و ساختمان بسازند، در نقشه‌ای که ارائه میدهند که مجوز بر اساس او صادر میشود، باید نمازخانه دیده شود. ما باید با نمازخانه اینجوری برخورد کنیم. (۱۳۸۷/۸/۲۹)

## مسجدزنده و پویا و بانشاط

سفارش اینجانب آن است که مسجد را نیز همچون دل‌های جوان، پاکیزه و پیراسته، و لبریز از شور و انگیزه و نشاط کنید. مسجد نیز باید کانونی باشد که مشکات نماز در آن بدرخشد و نور معرفت و محبت و انس و صفا از آن ساطع شود. امامان جماعت، هیئت‌های امناء، خادمان موظف و متبرّع، هر یک باید بخشی از این کار بزرگ و اثرگذار را بر دوش خود حس کنند. (۱۳۸۸/۸/۱۲)

## نقش محوری مسجد در مراکز آموزشی

در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز انسانی انبوه، مسجد می‌تواند جایگاه امن و صفا باشد، و امام جماعت، غمگساری و راهنمائی و همدلی را در کنار اقامه‌ی نماز، در آن مهبط رحمت و هدایت الهی به نمازگزاران هدیه کند. مجامع دانشجویی و دانش‌آموزی در آن صورت، جذابترین مرکز تجمع خود را مسجد دانشگاه و مدرسه خواهند یافت و پایگاه تقوا، پایگاه فعالیت جوانان خواهد شد. به مدیران آموزش و پرورش و علوم یادآوری می‌کنم که سهم مسجدسازی و مسجدپردازی باید در اعتبارات فعالیتهای فوق برنامه، در ردیف اول و بیش از سهم دیگر بخشهای این سرفصل باشد. (۸۱/۶/۱۶)

## اهمیت مسجد در مناطق خاص

کار اداره مسجد در همه جا مهم است، اما بدون شک در نقاط خاص، این شغل اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند، که تهران و تاحدودی، حومه تهران از این قبیل است. لذاست که نفس مسئولیت امامت جماعت در مساجد، مسئولیت مهمی است. (۱۳۷۳/۸/۴)



## مسجد بهترین مکان برای حفظ دین مردم

ما باید نگران دین مردم باشیم. بهترین جا برای حفظ دین مردم، همین مساجد است. من به شما عرض کنم که: آقایان! بعد از انقلاب، مساجد در چشم صاحبان مساجد - متأسفانه - ارزششان را از دست دادند. تا کسی در جایی یک اشتغال مختصر پیدا کرد، فوراً مسجدش تعطیل شد. اول ظهر و عصر را تعطیل کرد، بعد مغرب و عشا را تعطیل کرد، نماز صبح هم که اصلاً نبود؛ اینها اشکال است. باید تلاش کنید بدون تعطیل - هر سه وقت - در مساجد تهران نماز خوانده بشود: هم صبح بروید نماز؛ هم ظهر و عصر را بخوانید؛ هم مغرب و عشا را بخوانید. نفر مایید مامومین نمی آیند. به تجربه ثابت شده است که اگر ائمه جماعت حاضر باشند، مامومین می آیند؛ مردم نماز جماعت می خواهند. وقتی امام جماعت نرفت یا وقتی دیر و نامنظم رفت؛ اذان مغرب را دادند و نیم ساعت هم گذشته، وقت فضیلت تمام شده، تازه آقایان نفس نفس زنان سر می رسد، این نماز جماعت نشد که! وقت نماز ظهر می گذرد؛ دکانش را بسته و آمده آنجا نشسته است؛ منتظر است که آقا تشریف بیاورد، آقایان می آید؛ بعد معلوم می شود که مثلاً آقا امروز کار داشته است. این که نمی شود؛ این نماز جماعت نشد. امام جماعت باید اول وقت در محراب اقامه جماعت بکند باید قبل از وقت آنجا نشسته باشد. بعد از اقامه نماز رویش را به مردم بکند و همچنانی که مستحب است، با مردم حرفی بزند؛ امکانی بدهد تا آنها از او سؤال کنند. وقتی ما خودمان را در مسجد به مردم نشان ندهیم، بعد از شش ماه که یک شب فرصتی پیدا کردیم، همه می ریزند سرمان؛ ولی وقتی هر شب باشیم، این طور نمی شود. هر شب به چند نفر از مردم می رسیم؛ سؤالی می کنند، مسئله ای دارند، می خواهند وجوهاتی بدهند، شکایتی از کسی دارند. مسجد مهم است. همچنان که امام فرمودند، واقعا مسجد سنگر است و این سنگر را باید صاحب سنگر حفظ کند؛ دیگران هم

به او جذب می‌شوند. (۱۳۷۳/۸/۴)

### بانگ اذان دل‌های افسرده را زنده می‌کند

همه آحاد جامعه باید سعی کنند که صورت جامعه را یک صورت اسلامی قرار بدهند. من همین جا، خلا اذان در جامعه مان را یادآور بشوم. در این تهران، صدای اذان به گوش انسان نمی‌رسد. چرا؟ اذان، یک شعار اسلامی است. ما با اینکه پشت بلندگو، تا دیر وقتی از شب، شعر یا قرآن یا نوحه بخوانند و مزاحم همسایه‌ها بشوند، مخالفیم. با چنین چیزی، مقابله هم می‌کنیم. اما با اینکه صدای اذان، اول ظهر و مغرب و صبح، بخصوص از حنجره‌ها خارج بشود، صد در صد موافقیم.

اذان، چیز خیلی خوبی است؛ «حی علی الصلوه»، «حی علی الفلاح»، «الله اکبر». چرا در جامعه اذان نیست؟ اذان با توجه، به دل‌ها امید می‌دهد. بانگ اذان، دل‌های افسرده را روشن می‌کند البته در سحرها، برای اذان صبح، از بلندگو استفاده نکنند با حنجره اشکالی ندارد. هر چند وقت بیداری است اما ممکن است اسباب زحمت بشود. همه ظواهر جامعه، اینطور باشد. مسجدها در وقت نماز، سرشار و مالا مال از انسانهای ذاکر و ساجد و راکع باشد.

چشم‌ها، ظواهر را می‌بینند و پشت چشم‌ها، دل‌ها قرار دارند خیال نکنید چشم‌ها، شیشه‌ای هستند که در اینجا گذاشته‌اند. نخیر، پشت چشم، دل و جان و ذهن انسانی است. این چشم‌ها و نیز دل‌هایی که پشت آنهاست، باید از نشانه‌های اسلام پر بشوند. (۱۳۶۹/۳/۲)

### مسجد بهترین پایگاه بسیج

مساجد را رها نکنید. این نیروی مقاومت بسیج بهترین جایی که دارد این گروه‌های مقاومت، همین مساجد است. منتها مساجد را مسجد نگهدارید. با

امام جماعت مسجد، با عبادت کنندگان مسجد، با مومنینی که در مسجدند، برادرانه و صمیمی باشید که بحمدالله هسـتید و آن را حفظ کنید و بیشتر کنید. اول وقت نماز را به جماعت پشت سر پیش نماز هر مسجدی که هستید بخوانید. در مراسم دینی مسجد، تبلیغات آنجا شرکت نکنید. و در دعا و قرآن و مراسم مذهبی شرکت نکنید، شما و امام جماعت آن مسجد هر کس که هست، مشترکاً مسجد را حفظ کنید. جاذبه درست کنید برای مسجد تا بچه‌های محل، جوانهای محل، زن و مرد محل، مجذوب این مسجد بشوند که شما در آنجا هستید و بیایند. این مسجد بسیار چیز مهمی است و پایگاه مهمی است.

(۱۳۷۱/۸/۲۷)

### کانونهای فرهنگی و هنری مساجد

کار فعال کردن کانونهای فرهنگی مساجد کار خوبی است، منتها مساجد - شما می دانید - یک رئیس طبیعی دارد و آن امام جماعت است. اگر شما جوری عمل کنید که آن امام جماعت، یا تصور کند که دارید شما جای او را تنگ می کنید، یا واقعا جای او را تنگ کنید، یک معارضه‌ای در بطن این کار وجود دارد، حواستان باشد! و حالا اگر یک وقتی امر دائر شد بین کانون فرهنگی و امام جماعت، ما امام جماعت را مقدم می دانیم؛ این را به شما بگویم. غرض، حواستان باشد که نگویند این جا آخوند گرای شد و گروه گرای شد. چون قوام مسجد به آن آقای پیشنمازی است که آنجا است. حالا ممکن است میانشان یک آدمی باشد که خیلی فعال هم نباشد، چه نباشد، اما طبیعت کار این است. خیلی خب، حالا اگر شما جوری عمل کنید که آن آقا با شما همکاری کند و تشویق بشود به همکاری، این دیگر «نور علی نور» است. غرض، حواستان باشد؛ به این نکته توجه کنید. این را من خواستم برای این که شما «عن بصیره» حرکت کنید. (۱۳۷۵/۲/۳۱)

## صندوق عمر ان مساجد

آن پیشنهاد مربوط به صندوق عمر ان مسجد هم بسیار پیشنهاد نو و جالبی است، من موافقم این کار انجام بگیرد. و عقیده ام این است که اگر شما این کار را شروع کنید، یکی از وظایف بنیاد مستضعفان این خواهد بود که به شما کمک بکند. یکی از خرجهای لازم، همین خرج است. یک جاهایی مسجد نداریم، یک جاهایی مسجد ویرانه داریم. مسجدهایی داریم که به آن رسیدگی نمی شود. البته توجه بکنید اولاً در این صرف و خرج یک تشکیلات اداری به وجود نیاید، مسجد یک رئیس طبیعی دارد، یک مدیر طبیعی دارد؛ و او امام مسجد است، از او استفاده کنید، از هیئت امنایی که در مساجد هستند استفاده کنید، یک تشکیلات جدیدی درست نشود، فقط یک مرکز پشتیبانی به وجود بیاید و لا غیر.

دیگر اینکه مساجد و حسینیه ها باید به پول مردم ساخته بشوند، این فراموش نشود. سنت صحیح رایج بین شیعه، که عبارت بوده است از این که مردم مسجد بسازند، حسینیه بسازند. این سنت، بسیار سنت با برکتی است. جوری نباشد که اگر شما یک صندوقی درست کردید یک جا، مردم بگویند خب، حالا که دیگر پول هست. الحمدلله - دولت دار می دهد، ما دیگر چرا بدهیم؟ این نباید بشود. تبلیغات و جار و جنجال و فلان و فلان اصلاً نباید باشد. بلکه بتوانید پولهای مردم را هدایت کنید به این صندوق در درجه اول و آن: «انما یعمر مساجد الله من آمن بالله» فوت نشود. این آیه قرآن، مایه تشویق مردم بوده است در طول سنین متمادی، به ساختن مساجد، به تعمیر مساجد، به آباد سازی مساجد، به فرش مساجد، روزیلوها می نوشتند؛ این را ما وقف کردیم. اینها دلبستگی مردم را به مسجد تامین می کند. اینها از بین نرود که این کار یک ظرفیتی لازم دارد. البته صندوق اگر نباشد، خب، همین وضع فعلی است. یک جاهایی اصلاً مسجد نداریم. محلاتی گزارش هست که مسجد اصلاً نیست!

در خود تهران؛ یا بعضی روستاها، شهرها، مسجد ندارند یا کم دارند یا مسجد خراب است و از این قبلی. (۱۳۷۵/۳/۲۸)

### لزوم حفظ مساجد در طرح جامع شهرها

نقشه جامع را دو جور آدم، ممکن است بکشد؛ یک جور آدمی که معتقد است مسجد را باید حفظ کرد، یک جور آدمی که می گوید نه آقا، مسجد با مثلاً زمین بایر چه فرقی دارد. دو جور آدم نقشه می ریزد. در یکی از شهرها بنده رفتم دیدم یک خیابان کشیده اند، که آن خیابان را ممکن بود مثلاً بیست متر آن طرف تر بکشند، چهار تا مسجد سلامت بماند. کما این که یک بنای قدیمی و تاریخی را که می خواستند سالم نگه دارند، توانسته اند سالم نگه دارند؛ اما مسجد را اصلاً اهمیت نمی دادند، ما با اینها اوقات تلخی کردیم. ما عرضمان این است که مصلحت اگر باشد اشکالی ندارد؛ مصلحت یک جماعتی، مصلحت مردم باشد، می شود مسجد را خراب کرد، اگر چنانچه واقعا مصلحت باشد. اما این مصلحت چه جوری تشخیص داده بشود؟ الان هر جا که گیر می کنند - برای این که چهار تا خانه را خراب کنند باید یک پولی بدهند، مسجد را که خراب کنند پول نباید بدهند. مسجد را می اندازند در مسیر - مساجد را در مسیر می اندازند. نه، این مصلحت نیست، باید با این واقعا مقابله بشود، ایستادگی بشود. (۱۳۷۵/۴/۱۸)

### راز جذب جوانان به مسجد

بروید سراغ مخاطبتان، زبان ویژه او را پیدا کنید و اگر دیدید سخت است، یک راه میان برداریم و آن زبان خوش است. زبان خوش. خیلی جای دوری نرویم. مسجد بنده، همیشه مملو از جوانها بود. آنهایی که سنشان کفاف بدهد، می دانند. هیچ وقت مسجدی که بنده نماز می خواندم، بعد از نماز مغرب و

بین نماز مغرب و عشاء، توی مسجد جان بود. همیشه بیرون مسجد جمعیت بود، صدی هشتاد هم، جوان برای خاطر این که با جوان تماس می گرفتیم. آن روزها، سالها، آنوقتها مد شده بود پوستینه‌های وارونه، جوانهای خیلی آلامد، می پوشیدند. یک جوانی از این پوستین وارونه بی‌ها، آمده بود صف اول نماز، پشت سجاده نشسته بود. یک حاجی محترم بازاری هم که خیلی مرد فهمیده‌ای بود - خیلی خوشم می‌آمد که او می‌آید صف اول می‌نشیند - آن هم نشسته بود. دیدم او رویش را کرد به گوش جوان، یک چیزی گفت، این جوان مضطرب شد. گفتم چی گفتی؟ جوان گفت: هیچ چیز او هم گفت هیچ چیز. گفتم: نه، چی گفتی؟ فهمیدم که آقا به او گفته که شما مناسب نیست با این لباس صف اول بنشینید. گفتم نه آقا، نه، نه. اتفاقاً شما مناسب است همین جا بنشینید، تکان نخور از این جا، گفتم حاجی چرا می‌گویی جوان برو عقب؟ بنشین همین جا. بگذار بدانند که جوان پوستینه وارونه هم می‌تواند بیاید نماز جماعت بخواند و به ما اقتدا کند. اگر پول نداریم، اگر امکانات هنری نداریم، اگر فعلاً ترجمه قرآن به زبان سعدی زمانه نداریم، اخلاق که می‌توانیم داشته باشیم برادرها! «المومن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه» آن، آنی را که باید ابراز کنید، با اخلاق، بروید سراغ این جوانها، برید سراغ دل‌های اینها، روح‌های اینها، و رای قالب‌های اینها. آن وقت تبلیغ انجام خواهد شد. (۱۳۷۶/۳/۲۶)

### نوآوری در مدیریت و معماری مسجد

نکته اساسی این کار شما این است که شما ابتکار به خرج دادید یعنی تلاش گوناگون اجتماعی و علمی و تحقیقی و هنری و همه را گذاشتید روی موضوع مسجد. چیز جدیدی است این. نکته دوم این است که در موضوعاتی هم که مطرح کردید برای دنبالگیری و تحقیق کردن در

آنها هم ابتکارهایی مشاهده می‌شود. اما من می‌خواهم روی دو مسئله تکیه کنم. اول، مدیریت مسجد. خوب یک مدیریتی است واقعا، امامت جماعت، پیشنهادی یک مدیریت است. ما این راهمین طور به صورت خود رو خود ما روحانیون و طلبه‌ها از اول این کار را انجام دادیم؛ هر کس هم یک جور طبق مذاق خودش، مزاج خودش. مرحوم پدر ما، مسجد وارد می‌شدند، سالهای سال ایشان امام جماعت بودند. نه یک کلمه ایشان به کسی حرف می‌زد. فقط جواب سلام. نه به کسی ایشان نگاه می‌کرد حتی همین طور آرام وارد می‌شدند می‌رفتند توی سجاده، نماز می‌خواندند می‌آمدند بیرون. که من خودم که ایشان را دیدم و می‌دیدم وضع ایشان را، ملاحظه رفتار ایشان موجب شد که بنده وقتی که خودم پیشنهاد شدم، اولین کاری که کردم این بود که وقتی وارد مسجد شدم، روی سجاده. پشت به قبله نشستم، جلوی مردم. مردم تعجب کردند که این آقای پیشنهاد چه کار دارد! چرا از این طرفی نشسته؟! یعنی رو به مردم کردم. کاری هم نداشتیم. نشستیم، منتظر کسی اگر حرفی می‌خواهد بزند، بزند. نماز هم که خواندم همان اولین نماز، یا دومین نماز، بلند شدم ایستادم، رو به مردم کردم، و صحبت کردم. یعنی سلاقی ۱۸۰ درجه تفاوت می‌کرد خوب این واقعا یک مدیریت است. چه عیب دارد این فکر بشود رویش، تدوین بشود، آموزش داده بشود، این بسیار فکر نوی است. دوم مسئله معماری مساجد است. الان، اتفاقی درست می‌کنند اسمش را می‌گذارند مسجد. عیبی ندارد، شرعاً هیچ اشکالی ندارد. اما خوب چه قدر خوب است که این معماری مسجد همچنانی که در گذشته تاریخ ما وجود داشته، یک معماری شاخصی باشد که در آن نیازها ملاحظه بشود. غرض این است که شما ابتکار به خرج بدهید و دنبال کنید همین

کار را. بسیار صحیح است و همین طور هر چه هم می‌توانید دامنه کار را گسترش بدهید و پیش بروید. (۱۳۷۶/۶/۱۶)

### علم و تقوا لازمه امامت جماعت

برای امام جماعت مسجد، حداقل چیزی که لازم است، علم و تقواست دیگر. از این دو تانبایستی صرف نظر کرد. حالا چیزهای دیگر هم لازم است، کسی ممکن است جهات دیگر هم داشته باشد خیلی خوب است اما در مورد علم و تقوا شما سخت گیری کنید؛ بایستی آن کسی که آنجا می‌ایستد نماز، عالم باشد و عادل باشد؛ این دو تا دیگر غیر قابل اغماض است. حالا بقیه خصوصیات را هم داشت، آدم سخنوری بود، آدم عاقلی بود، چه بهتر. البته، در مقام ترجیح طبعاً مقدم است؛ اما اگر جهات دیگر را ندارد، از علم و تقوا که دیگر نمی‌شود صرف نظر کرد معمم بودن امام و روحانی بودن امام برای این است که تقدم علم و رجوع مردم به عالم معلوم بشود؛ و الا اگر این جور نباشد چرا آنها می‌ایستند، دیگری بایستند. (۱۳۷۷/۹/۱۶)

### تربیت عالم مسجد مهم تر از ساخت مسجد

اگر چنانچه مسجد، در یک نقطه‌ای از نقاط نباشد و هیچ راه دیگری هم وجود نداشته باشد، آن جا را استثنائاً ما اجازه می‌دهیم از سهم امام مسجد بسازند؛ اما آن جایی که مسجد هست، می‌خواهند حالا توسعه بدهند، یکی دیگر می‌خواهند بسازند یا احتمال این که از طرق تبرع و زکوات بتوانند بسازند هست، این جا را بنده شبهه می‌کنم. برای خاطر این که من از مسجد واجبتر، عالم مسجد را می‌دانم. ما الان وجوهاتمان برای اداره عالم مسجد کم می‌آید، شما الان ملاحظه کنید وضع طلبه‌ها



را ببینید چه جور است؟ شما خودتان بروید قم یک سری بزنید، ببینید چه جور است، با چقدر زندگی می‌کنند. توی این شرایط این را که پول سهم امام صرف ساختن مسجد شود، واقعاً من جرات نمی‌کنم.

(۱۳۷۷/۹/۱۶)

### احیای مسجد قائم به پیش نماز است

هر چه خدمت به مساجد و عمران مساجد بکنید، معلوم است که انشاءالله ثوابش پیش خدای متعال، چه قدر زیاد است: «انما یعمر مساجد الله من امن بالله والیوم الاخر».

البته دوستانی که اشتغال‌های اداری و کاری و اینها دارند، خیلی به مسجد اهمیت نمی‌دهند، اشکال این است. نایب نمی‌شود، فایده ندارد؛ باید خود پیش نماز به مسجد برود، والا اسم مسجد به نام یکی باشد و یکی دیگر برود، مثل همه کارهای دیگری است که یک رئیس بیکار و یک نایب فعال دارد. اول انقلاب می‌خواستیم مشکل را آن جور حل کنیم، فایده نداشت. نه آن رئیس می‌توانست کاری بکند، نه آن نایب، قدرت و جرات و مسئولیت انجام کارهای حسابی را داشت؛ لذا کارها غالباً می‌ماند. این تجربه موفقی نیست. خود من پیشنهادی کرده‌ام، می‌دانم که مسجد و پیش‌نمازی، یعنی چه. مسجد، قائم به پیش‌نماز است. خادم، تاثیر خیلی کمی دارد؛ یعنی در مقایسه با پیش‌نماز، واقعاً تاثیرش ده بر یک هم نیست. البته تاثیراتی دارد، اما ملکه زنبور عسل مسجد، پیش‌نماز است. پیش‌نماز که آن جابود و جاذبه داشت، همه هستند. پیش‌نماز، هر چه و هر کس هم باشد، وقتی اعتنایی به مسجد نداشت، تاثیر کمی خواهد داشت؛ مثل آقایان فعلی ما، روحانیون انقلابی و جوان فاضل، عیب

کارشان این است که به مسجد، اعتنایی ندارند. ظهر می‌شود، مشغول کارند، یا جلسه دارند، مسجد هم دارند؛ این نمی‌شود. این جا، سنت پیشنهادی در ایران کجا.

معروف بود می‌گفتند که هر وقت پیشنهاد نیامد، تابوت را درب خانه‌اش ببرید؛ واقعا این جوری بود.

پدر من چهل، پنجاه سال - تا وقتی که از کار افتاد - پیشنهاد بود، مگر ممکن بود ایشان یک روز به مسجد نرود. مادر دوره بچگی و نوجوانی و آن وقتی که پدرمان برای نماز می‌رفت، اصلا برایمان معهود نبود که ممکن است نرود؛ یعنی اصلا چنین چیزی مثل محالات بود، مثل این بود که یک روز آفتاب در نیاید. مگر پیشنهادی این جور می‌شود؟ حالا برف است، حالا جلسه است، حالا مهمانی است. خوب، همه چیز به جای خود محفوظ، وقتی که وقت نماز می‌شد، وقت مناسب نماز، اگر جلسه، یا مهمانی، یا مریض هم داشتند، هر چه بود، پامی شدند می‌آمدند پیشنهادی این است.

اگر شما بتوانید، این روحیه را در آقایان ایجاد کنید. من هم دائم‌با این آقایان گفته‌ام که باید پیشنهاد برسد و در پست خودش باشد. من خودم در مشهد، پیشنهاد بودم؛ نه از آن پیشنهادهای مسن و پیر بودم، نه آن چنانی بودم، اما همین حالت در بنده هم بود. مدتی که من را از نماز جماعت ممنوع کرده بودند، فقط شبهای شنبه در مسجد امام حسن (ع) نماز می‌خواندم - مسجد کرامت را بسته بودند. یک سفر به مازندران - ساری - رفته بودیم - برنامه را جوری تنظیم کردم که صبح جمعه در تهران باشم. برای شب شنبه. روز قبلش در ساری بودیم، این جوانها من را شناختند، دور و برم آمدند و به زور ما را داخل شبستانی از

شبستانهای مسجد جامع ساری، برای نماز جماعت بردند. نماز خواندم و برایشان صحبت کردم. اصرار کردند که باید شما دو سه روز بمانید؛ گفتم نه، التماس کردند - از آن التماسهایی که هر روحانی را میخکوب می کند - گفتم نه، چون شب شنبه، نماز دارم و باید بروم، یک سخنرانی برای جوانهامی کنم. هر کاری کردند، گفتم نمی شود. آنها گفتند: ای کاش پیشنهاد ما هم مثل شما بود ایشان مرتب به تهران می روند و خیلی اهمیت نمی دهند. پیشنهاد ما، این است؛ اگر وادارشان کنید، خوب است. دوم این که هر کس از این آدمهای با صلاحیت را که ما گفتیم - مثلاً از قم - بیایند، فوراً گفتند که باید برای آقایان، خانه بگیریم. پیشنهاد ما، شرط پیشنهاد ما در یک مسجد، این است که برایش یک خانه بگیرند. بالاخره در یک شهر، آدم می خواهد زندگی کند.

هر چه بتوانید در مورد مساجد کار بکنید، خیلی خوب است. مسجد، کانون دین است، الان هم همین است. هیچ چیزی جای مسجد را پر نمی کند؛ یعنی سلولی است که آدم به تنهایی نگاه می کند، ولی همین مجموعه مساجد است که فضا را فضای دینی نگه می دارد و معارف را از نسلی به نسلی منتقل و با دین، آشنا می کند. (۱۳۷۷/۱۰/۱۹)



## مسجد هسته مقاومت

.....  
بیانات مقام معظم رهبری مدظله العالی در جمع ائمه جماعات استان  
تهران، مورخ ۹۵/۵/۳۱، به مناسبت روز جهانی مسجد



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی سیدنا محمد وآله الطاهرین  
سَیِّمًا بقیة الله فی الارضین.

### امامت جماعت، از افتخارات روحانیون

خوشامد عرض میکنم به همه‌ی شما برادران عزیز و همکاران محترم. یکی از چیزهایی که انسان جا دارد جزو افتخارات کاری خود به حساب بیاورد و این حقیر هم این کار را میکنم، عبارت است از خدمت در جایگاه امامت مساجد؛ ماهم با شما در این زمینه همکارییم. خیلی خوش آمدید و جلسه همان‌طور که آقای حاج علی اکبری بیان کردند، واقعاً جلسه‌ی مهم و متفاوتی است؛ با جلسات دیگر ما در اینجا تفاوت‌های اساسی دارد. تشکر میکنم از بیانات پرمغز آقای حاج علی اکبری که هم مفید و جامع بود، هم زیبا و خوش ساخت و خوش ترکیب بود. ما خرسند

۱. در ابتدای این دیدار - که به مناسبت روز جهانی مسجد برگزار شد - حجت الاسلام والمسلمین محمد جواد حاج علی اکبری (رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد) گزارشی ارائه کردند.

میشویم وقتی که مشاهده میکنیم زبانهای گویای روحانیت بحمدالله از برجستگی‌ها و از زیورهای بیانی و فکری برخوردارند. ایشان نکات مهمی را بیان کردند و مزده‌هایی را که بنده به‌طور کامل از آنها مطلع نبودم ذکر کردند. بنده هم چند نکته را در همین زمینه‌ها عرض میکنم.

### انتخاب مسجد به عنوان محل اجتماع، از ابتکارات اسلام

اولین مسئله، اهمّیت خود مسجد است و این ابتکاری که اسلام در آغاز ولادت خود برگزید و محلّ تجمّع مردم را بر محور ذکر و دعا و توجه به خدای متعال قرار داد. اجتماعات مردم به‌طور طبیعی دارای تأثیراتی است. خوب، یک عده‌ای دُور هم جمع میشوند، میگویند، می‌شنوند، تصمیم میگیرند، ارتباطات فکری برقرار میکنند، داده‌ها و گرفته‌های فکری بین خودشان دارند؛ این در کجا اتفاق بیفتد؟ مثلاً در باشگاه‌های اشرافی و اعیانی برای کارهای مختلف اتفاق بیفتد که در غرب معمول است، یا در قهوه‌خانه‌ها تشکیل بشود؛ [یا مثل] روم باستان که در حمام‌ها آن وقت یک چنین اجتماعاتی تشکیل میشد و دُور هم مردم جمع میشدند و رفتن حمام بهانه بود برای اینکه بگویند و بشنوند؛ یا در جایی تشکیل بشود که محور آن اقامه‌ی صلات است؛ این خیلی فرق میکند. وقتی اجتماع بر محور نماز و ذکر به وجود آمد، آن وقت یک معنای دیگری پیدا میکند، یک جهت دیگری پیدا میکند، دل‌ها را به سمت دیگری میکشاند؛ این ابتکار اسلام بود.



## مسجد پایگاهی برای تصمیم‌گیری‌های مهم، در زمان پیامبر ﷺ

بله، معبد در همه‌ی ادیان هست - که می‌نشینند در آنجا و عبادت میکنند - لکن مسجد با معابد مسیحی و یهودی و بودایی و بعضی جاهای دیگر که مادیده‌ایم یا شنیده‌ایم متفاوت است. در مسجد، پیغمبر اکرم میرفت فقط نماز بخواند و بیرون بیاید؛ کاری که برای اجتماع پیش می‌آمد و مهم بود، صدا میزدند: *الصلوة جامعَه*؛<sup>۱</sup> بروید به سمت محل صلات؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به مسئله‌ی جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا بسیج کنیم امکانات را و بقیه‌ی چیزها؛ و شما در تاریخ اسلام مشاهده می‌کنید که مساجد، مرکزی برای تعلیم بود؛ می‌شنویم و در روایات می‌خوانیم که در مسجد الحرام یا مسجد النبی حلقه‌ی درس زید و عمرو و بکر از نحله‌های مختلف فکری و مذهبی وجود داشت؛ معنای این خیلی متفاوت است با کلیسا یا با کنیسه‌ی یهودی که فقط می‌روند آنجا، یک عبادتی میکنند و بیرون می‌آیند. مسجد پایگاه است و این پایگاه بر محور ذکر و نماز است.

۱. از جمله، وسائل الشیعه، ج ۲۳، کتاب الایمان، ص ۲۴۳

## تأثیر نماز مطلوب در حفظ پیکره دین

از اینجا اهمیت نماز هم معلوم میشود. خود ماها با شخاصنا،<sup>۱</sup> احتیاج داریم به اینکه به نماز با یک نگاه دیگری نگاه کنیم. البته خوب، بحمدالله شماها همه از فکر بر خور دارید، از منطق، از آشنایی با معارف الهی و دینی؛ بنده برای تذکر به خودم عرض میکنم؛ ماها، عموم مردم، آنچنان که باید و شاید، همچنان قدر نماز را نمیدانیم. نماز به معنای واقعی کلمه عمود دین است؛ معنای عمود این است که اگر نبود، سقف فرو میریزد؛ بنا شکل بنایی خود را از دست میدهد؛ نماز این است. بنابراین پیکره‌ی عظیم دین متوقف است به نماز. کدام نماز میتواند این پیکره را حفظ کند؟ آن نمازی که دارای خصوصیات مطلوب خود باشد: قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ،<sup>۲</sup> ناهی از فحشا و منکر، نمازی که با ذکر همراه باشد؛ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ؛<sup>۳</sup> این ذکر را که در درون نماز است، هم باید عمل کنیم، هم باید ترویج کنیم.

۱. فرد فرد ما

۲. کافی، ج ۳، ص ۲۶۵؛ «[نماز] نزدیک کننده‌ی هر متقی [به خدا است]»

۳. سوره‌ی عنکبوت، بخشی از آیه‌ی ۴۵؛ «... و قطعاً یاد خدا بالاتر است...»

## کیفیت بخشی به نماز

به نظر بنده یکی از کارهای مهم ائمه‌ی محترم جماعات در مساجد، تبیین مسئله‌ی نماز برای مردم است که قدر نماز را بدانیم؛ اگر این شد، نمازها کیفیت پیدا خواهد کرد. واقع قضیه این است که نمازهای مایاد در موارد بسیاری بی کیفیت است، یا کیفیت لازم را ندارد. به عمق اذکار نماز باید رسید. خوب، نماز ما [باید] از این آفات چارواداری مصون و محفوظ بماند؛ یعنی آفت غفلت در حال نماز، بی توجهی به مفاهیم نماز و به مخاطب نماز که ذات اقدس الهی است؛ این یکی از آفات است. به قول مرحوم آقای مشکینی که اینجاد در همین حسینیّه میگفتند اگر یک دستگاهی اختراع بشود که انسان بتواند به مغز خودش آن را متصل کند و خاطرات ذهن را در طول نماز از اوّل تا آخر در آن ضبط بکند، یک چیز عجیب و غریبی از آب درمی آید. از اوّلی که وارد نماز میشویم تا آخر نماز، ذهن کجاها میرود، کجاها را سیر میکند، چه مسائلی را حل میکند، به چه مسائلی دلبستگی و فریفتگی و دل‌باختگی نشان میدهد. این یکی از آن آفات به تعبیر بنده چارواداری است. اگر از این آفت توانستیم خودمان را محفوظ بداریم و نیز از یک آفت دیگر که ریا [است] - «وَابْرَأْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالسَّمْعَةِ وَالشُّكِّ فِي دِينِكَ»<sup>۱</sup> که در دعاهست - توانستیم خودمان را نجات بدهیم، تازه نماز ما میشود یک نماز عادی و معمولی؛ عمق نماز باز محفوظ نیست.

۱. کافی، ج ۲، ص ۵۸۶، کتاب الدعاء

## تمرین کردن و استفاده از فرصت جوانی، راه کیفیت بخشیدن به نماز

خب، وقتی ما می‌گوییم «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، این عظمت را چه [میدانیم]؟ چه تصویری از این عظمت در دل ما است؟ این عظمتی که در مقابل او تعظیم می‌کنیم و او را تسبیح می‌کنیم و تقدیس می‌کنیم، چیست؟ آن معدن عظمتی که در این دعا مورد توجه قرار می‌گیرد که «هَبْ لِي كَمَالَ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ» تا برسد به «إِلَى مَعْدِنِ الْعَظَمَةِ»، کجا است؟ چیست؟ سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى، أَيَاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ؛ ماهیچ توجهی به این معانی و این مفاهیم عمیق، عبودیت انحصاری خداوند، استعانت انحصاری از خداوند، دل را با این معارف آشنا کردن، نماز را با این کیفیت به جا آوردن داریم؟ خب ما یک مقداری باید تمرین کنیم تا به این جاها برسیم.

البته اکثر جمع حاضر بحمدالله جوان هستید و این کارها در جوانی خیلی آسان است. در سنین ماها این کارها خیلی مشکل است. [اگر] در سنین ما بخواهیم شروع کنیم، این کارها، کارهای سختی است. در سنین جوانی این کارها خیلی آسان است. این کیفیت را به نماز ببخشید، این رنگ و بورا به آن بدهید؛ آن وقت نماز در درون انسان رونق به وجود می‌آورد. این تراوش میکند و سرریز میشود به همه‌ی کسانی که متوجه نماز ما هستند و با ما نماز می‌خوانند. بعضی از روایات در باب امام جماعت دارد که حسنات مأمومین و وزر مأمومین بر دوش امام جماعت است. مراد از این، آن چیزهایی که مبطل نماز است نیست، یعنی همین مفاهیم عالی. اگر چنانچه اینها بود، اینها آن وقت سرریز میشود به [مأمومین]. به هر حال نماز این است. اینکه مادر درون جامعه‌ی خودمان - در جامعه‌ی

اسلامی - کسانی را داشته باشیم که با نماز بیگانه باشند، این خیلی چیز بزرگ و خیلی چیز مهمی است. باید جامعه‌ی ما این جور باشد که مثل یک امر محبوب و مطلوب دنبال نماز برویم؛ نه به عنوان یک تکلیف از سر باز کردنی؛ به عنوان یک چیز شوق‌انگیز، یک چیز جذاب.

## مسجد، جایگاهی برای همه کارهای نیک

خب، مسجد بر محور چنین گوهری شکل میگیرد؛ اجتماعی است بر گرد یک چنین حقیقت درخشانی. بنابراین مسجد اهمّیت دارد، پایگاه است؛ همچنان که معروف شده در زبانها واقعاً پایگاه است. نه فقط پایگاه برای فلان مسئله‌ی اجتماعی، [بلکه] مسجد میتواند پایگاه همه‌ی کارهای نیک باشد؛ پایگاه خودسازی، انسان‌سازی، تعمیر دل و تعمیر دنیا و مقابله‌ی با دشمن و زمینه‌سازی برای ایجاد تمدن اسلامی و بصیرت‌افزایی افراد؛ و هَلُمَّ جَرًّا! مسجد یک چنین جایگاهی است.

## امام جماعت، محور مسجد

بنابراین پیش‌نمازی مسجد تنها وظیفه‌ی امام جماعت نیست؛ پیش‌نمازی هم یکی از کارها است. اقامه‌ی نماز، اقامه‌ی حق و عدل، اقامه‌ی دین، ابلاغ احکام دینی، وظیفه‌ی ما به‌عنوان پیش‌نماز و به‌عنوان امام جماعت است. یعنی محور مسجد امام جماعت است، مسجد بر محور امام جماعت [است]. خب اگر این شد، احساس مسئولیت انسان سنگین خواهد شد.

## امامت جماعت، کاری مهم و اساسی و نه کار حاشیه‌ای

تصوّر بنده این است که یکی از کارهای اساسی عبارت است از امامت مسجد؛ این [یک کار مهم است؛ به عنوان یک کار حاشیه‌ای نباید به آن نگاه کرد. اینک ما به کارهای روزانه‌مان، به مشاغل گوناگونمان برسیم، بعد سر ظهر یا مغرب با عجله‌ی تمام در ترافیک و مانند اینها خودمان را برسانیم - نیم ساعت، سه ربع هم از وقت دیر شده باشد - برویم آنجا بایستیم به نماز، این کم گذاشتن در حق مسجد است. این را باید یک شغل مهم و اساسی به حساب آورد. عرض نمیکنیم که وقتی امام جماعت شدیم، از همه‌ی کارهای دیگر دست برداریم؛ نه، میتواند انسان به قدر ظرفیت خود به کارهای دیگر علمی یا غیر علمی بپردازد لکن حق مسجد باید ادا بشود. از قبل از وقت شروع نماز انسان برود مسجد با طمأنینه، با سکون نفس آماده‌ی نماز بشود، نماز را با کیفیت خوب بخواند. بعد اگر برنامه‌ی حرف زدن دارد، برگردد طرف مردم و با مردم حرف بزند، برای مردم تبیین بکند؛ برنامه‌های گوناگونی که در مساجد بحمد الله شماها دارید. زمان ما، آن زمانی که بنده مثلاً در مشهد امامت جماعت میکردم و مسجد میرفتم، خیلی کارها معمول نبود، بلد نبودند یا بلد نبودیم این کارها را. هر کاری میکردیم، نوبه حساب می‌آمد. امروز بحمد الله این کارها رایج است. اینک بین دو نماز یا بعد از نماز، امام جماعت بایستد یا برود روی منبر با مردم حرف بزند یا اینک مثلاً فرض کنید تخته سیاه در مسجد ببرند، حدیث بنویسند، برای مردم تبیین بکنند، یا بنشینند با جوانهای مسجد حلقه‌ی معرفتی تشکیل بدهند، تبیین کنند، سوالاتشان را بشنوند، این کارها حالا آن طور که انسان احساس میکند از گزارشها و از حرفها رایج است، آن زمان رایج نبود. آن زمان ائمه‌ی جماعت عمدتاً به



این اکتفا می‌کردند که بروند نماز را بخوانند و از مسجد بیرون بیایند. حالا یکی دو مسئله‌ی شرعی هم جواب بدهند، و سؤال‌ی بشود یا نشود؛ بیش از این نبود، [اما] امروز بحمدالله این چیزها رایج است. و باید روز به روز این را کیفیت داد.

## کارکردهای مسجد

### ۱) محل گردهمایی مردم بر محور نماز و ذکر خدا

پس بنابراین یک مسئله، مسئله‌ی گردهمایی مردمی بر محور نماز و محور ذکر از نظر اسلام است. این مهم است. بنابراین اگر کار اجتماعی هم در اینجا انجام میگیرد، مثلاً تصمیم میگیرند که یک تعاونی‌ای درست کنند برای فقرا یا در یک امر خیری تعاون کنند، این با توجه به اقامه صلات است، با توجه به ذکر است، برای خدا است، بر محور صلات است. اگر بسیج میشوند از مسجد برای رفتن در مقابله‌ی دشمن، این به معنای حرکت جهاد فی سبیل الله هست، بر مبنای خداست، بر مبنای ذکر است؛ اگر وظیفه پیدا میکنند که امورات شهری را، امورات محلّه را مثلاً از لحاظ امنیت، از لحاظ کارهای لازم انجام بدهند، باز بر محور ذکر است.].

یکی از ابتکارات مهمّ امام بزرگوار ما، از هنرهای بزرگ این مرد بزرگ همین بود که از اوّل انقلاب مساجد را محور قرار داد. آن روزهای اوّل انقلاب، آنهایی که یادشان است میدانند که همه چیز در هم ریخته بود: سلاح بیاورند، جمع کنند، از اینجا بردارند، [نکند] دستهای غیر مأمونی به کارهایی دست بزنند؛ مرکز تشکل لازم بود، هسته‌ی مرکزی لازم بود؛ این هسته‌ی مرکزی را امام بلافاصله همان روز اوّل، حتی قبل از اینکه اعلام پیروزی بشود، معین کردند: مساجد. هر کس از هر جا مثلاً سلاح دست می آورد، ببرد آبه مساجد. بعد هم یک سازمان دهی عظیم مسجدی تشکیل شد و به وجود آمد که همان کمیته‌های انقلاب بودند، که تا مدّتهای طولانی همه‌ی کارهای انقلاب را اینها انجام میدادند، و در واقع همه‌ی کارهای کشور را اینها انجام میدادند. مسجد یک چنین خصوصیتی دارد که بر مبنای ذکر و نگاه الهی و توجه الهی و مانند اینها است. خوب این یک نکته است که

اجتماع مردم بر محور ذکر خدا و مانند اینها [است].

## ۲) پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی

نکته‌ی دوم این است که مسجد پایگاه انواع و اقسام فعالیت‌های اجتماعی است؛ یعنی وقتی ما مردم را گرد این محور جمع کردیم، از آنها چه می‌خواهیم. یکی از چیزهایی که می‌خواهیم این است که به فعالیت‌های اجتماعی بپردازند. در جامعه‌ی اسلامی همه‌ی آحاد وظیفه دارند، مسئولیت دارند، باید کار انجام بدهند؛ کار برای پیشرفت جامعه، کار برای امت. بنابراین اینجا محلّ پمپاژ فکرها و پراکندن وظایف مختلف و کشاندن مردم به کارهای گوناگون است. مسجد برای انجام فعالیت‌های اجتماعی و پایگاه فعالیت‌های اجتماعی است.

## ۳) هسته مقاومت

یک مسئله‌ی دیگر در مورد مسجد عبارت است از هسته‌ی مقاومت. مقاومت وقتی گفته می‌شود، فوراً ذهن می‌رود به مقاومت نظامی و امنیتی و امثال اینها. خوب، آه، آن هم قطعاً مقاومت است، اما بالاتر از آن، مقاومت فرهنگی است. حصار فرهنگی، خاک‌ریز فرهنگی در کشور اگر سست باشد، همه چیز از دست خواهد رفت. من به شما عرض بکنم: امروز بعد از ۳۷ سال، ۳۸ سال از پیروزی انقلاب، انگیزه‌ی دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی از روز اول بیشتر است؛ نه اینکه کم نشده، قطعاً زیاد شده؛ روشهارا هم که شما می‌بینید: این شیوه‌های فضای مجازی و تبلیغات گوناگون و ماهواره و امثال اینها؛ [یعنی] انگیزه‌ها بیشتر شده. آماج این حرکت هم درست همان چیزی است که مایه و هسته‌ی اصلی ایجاد نظام اسلامی شد؛ یعنی ایمان دینی، آماج این است. با حکومت اسلامی

و جمهوری اسلامی و سیاستهای جمهوری اسلامی مخالفند به خاطر مخالفت با ایمان دینی؛ چون میدانند اگر ایمان دینی نبود، این انقلاب پیروز نمیشد، این نظام به وجود نمی‌آمد، این زلزله و تکانه‌ی شدید در ارکان نظام سلطه پدید نمی‌آمد. حرکت اسلامی و انقلاب اسلامی یک تکانه‌ی شدیدی در نظام سلطه ایجاد کرد؛ بله، دو قطبی بود، با هم مخالف بودند، الان هم همین جور است - قدرتهای بزرگ مثل گرگهای درنده‌ای هستند که منتظر فرصتند تا رقبای را بدرند، در این شکی نیست - اما همه بر یک اصل متفق بودند و امروز متفقند و آن، دستیابی به قدرت و زورگویی نسبت به مردم و ملتهای ضعیف و حکومتهای ضعیف و اجتماعات گوناگون عالم و غارت منابع مالی و اقتصادی آنها و تجمیع روزافزون قدرت برای خودشان است؛ این هدف است. این هدف که هدف نظام سلطه است، با پدید آمدن انقلاب اسلامی مخدوش شد.

## اسلام انقلابی، مانع تحقق مقاصد قدرت‌های مادی

امروز شما ملاحظه کنید در منطقه‌ی غرب آسیا - که اسمش را گذاشته‌اند خاور میانه - قدرتهای درجه‌ی یک مادی دنیا زمین‌گیر شده‌اند؛ آمریکا امروز در منطقه‌ی غرب آسیا زمین‌گیر است. [اینها] امروز اهدافی دارند، کارهایی دارند، مقاصدی دارند در این منطقه؛ یک بخش از این مقاصد عبارت است از تقویت پایگاه استکباری رژیم صهیونیستی در این منطقه، یک بخش آن عبارت است از تصرف همه‌ی منافذ و منابع قدرت در منطقه که دولت‌ها و حکومت‌ها بیابند زیر چتر آنها، از امکانات اینها استفاده کنند؛ فرمانروایی بر منطقه، [اما] امروز نتوانسته‌اند. چه مانع شده است از اینکه مقاصد اینها تحقق پیدا کند؟ اسلام انقلابی یا انقلاب اسلامی - هر دو تعبیر درست است؛ اسلام انقلابی هم درست است، انقلاب اسلامی هم درست است - که امروز در نظام جمهوری اسلامی تبلور پیدا کرده. این، مانع شده. اگر اسلام نبود، ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اسلامی نبود، تعهد و پایبندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگران میرفت زیر چتر همین نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا؛ همچنان که دیگران رفتند. بنابراین، آماج حمله آنها همین چیزی است که این بنای اسلامی را به وجود آورده؛ یعنی ایمان. اگر ایمان اسلامی نبود، این کشوری که مادیده بودیم و این نظامی که ما آن را با گوشت و پوست و استخوان خودمان تجربه کردیم، ممکن نبود که تغییری پیدا بکند؛ این ایمان اسلامی بود. یک مرجع تقلید با تأیید الهی، با هدایت الهی، با بلد بودن شیوه‌ی مبارزه و کار، وارد میدان شد و ایمان مردم را کشاند به سمت این هدف بلند و مردم به میدان آمدند؛ وقتی مردم در میدان بودند، هیچ قدرت مادی‌ای کاری نمیتواند انجام بدهد. عمده، حضور مردم است که این را امام بزرگوار ما به برکت ایمان مردم و با اتکاء به ایمان مردم توانست انجام بدهد؛ لذا آماج [دشمن]، ایمان مردم است، ایمان جوانان است.

## وجود جوانان زیاد مومن در عرصه‌های مختلف انقلاب

اینکه بنده بارها تکرار میکنم که جوان امروز، از جوان اول انقلاب و دوران جنگ اگر جلوتر نباشد، بهتر نباشد، عقب‌تر نیست - و من معتقدم که جلوتر است - به خاطر این است که امروز با این همه ابزارهای تبلیغی، با این همه شگردهای گوناگونِ فروریختن پایه‌های ایمان، جوان انقلابی ایستاده است. مادر عرصه‌ی فرهنگ، در عرصه‌ی سیاست، در عرصه‌های اجتماعی، در عرصه‌های هنری الی ماشاءالله جوان مؤمن داریم؛ البتّه بله، یک عده‌ای هم هستند که معتقد نیستند، پابند نیستند، آن را هم میدانیم، نه اینکه غافل باشیم اما این خیل عظیم جوانان مؤمن، جزو معجزات انقلاب است. این جوان امروز [است]؛ جوانی که نامه مینویسند به بنده - از این نامه‌ها یکی و دو تا و ده تا هم نیست، زیاد است - و التماس، گریه که اجازه بدهید ما برویم در دفاع از حرم اهل بیت (علیهم‌السلام) بجنگیم؛ از زندگی راحت، از زن و بچه بگذریم. نامه مینویسند - واقعاً نامه گریه آلود است - که [ما] پدر و مادر را راضی کردیم، شما اجازه بدهید ما برویم بجنگیم؛ این وضع جوان امروز است. خب میخواهند ایمان این [جوان] را از بین ببرند. این حصار فرهنگی برای حفظ این ایمان است.

## مسجد، پایگاه حرکت و بسیج فرهنگی

مسجد پایگاه بزرگ بسیج فرهنگی و حرکت فرهنگی است؛ شیوه کار را باید در مسجد آموخت که چه کار کنیم. اولاً به شما عرض بکنم حرفی که شما با ما مومین خودتان و مسجدی‌های خودتان می‌زنید، از نطق تلویزیونی و مانند اینها بمراتب کارآمدتر و مؤثرتر است؛ بارها این را عرض کرده‌ایم که نگاه چشم‌در‌چشم و جلسه‌ی نزدیک که نفس گوینده به شنونده می‌خورد، یک چیز دیگری است؛ این فقط هم در اجتماعات ما تجلی دارد؛ البته در کل اسلام در نمازهای جمعه و امثال اینها این هست، لکن در بین شیعه، بروز و ظهور بیشتری دارد. این مجالس روضه‌خوانی، مجالس وعظ و خطابه، مجالس گوناگون خیلی چیزهای مهمی است؛ اینها را دست کم نباید گرفت، هم از فضای مجازی مؤثرتر است، هم از صداوسیما مؤثرتر است، منتها خوب دایره‌اش محدود است؛ اگر چنانچه این سلسله عظیم، این تشکیلات عظیم خوب کار کند و در همه جا کار کند، تأثیراتش بر همه‌ی اینها فائق خواهد آمد و می‌توانید شما این جوان را، این مخاطب را به معنای واقعی کلمه مصونیت ببخشید و می‌توانید او را در مقابل این میکروب‌ها و این ویروس‌هایی که به‌طور دائم دارد سرازیر میشود به طرف این کشور و طرف این نظام واکسینه کنید. بنابراین [مسجد] هسته‌ی مقاومت است، منتها مقاومت بآنواعه؛<sup>۱</sup> مقاومت فرهنگی، مقاومت سیاسی، و در جای خود هم مقاومت امنیتی و نظامی؛ کما اینکه در مساجد [اینگونه بوده].

این آماري که جناب آقای حاج‌علی اکبری گفتند، خیلی آمار مهمی است؛ اینکه ایشان گفتند که ۹۷ درصد از شهدای ما مسجدی بوده‌اند

۱. بانواع آن

-اگر تحقیق بشود- این خیلی حرف مهمی است. از هر صنفی: دانشجو است مسجدی است، کاسب است مسجدی است، دانش آموز دبیرستانی است مسجدی است. از مسجد حرکت کردن و راه افتادن و رفتن به میدانهای جنگ و جان خودشان را کف دست گرفتن، به زبان آسان است؛ جان در کف دست گرفتن، جان فدا کردن به زبان [آسان است]؛ **وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ**، انسان خب میگوید که بله ما جانمان [رامی دهیم]؛ آن وقتی که در مقام عمل مواجه میشود با مرگ، جور دیگری است، خیلی سخت است. این جوانها از مسجد رفته اند و جان خودشان را در راه خدا داده اند؛ نقطه‌ی عزیمت عبارت است از مسجد؛ خیلی حرف بزرگی است، حرف مهمی است.

۱. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۴۳؛ «و شما مرگ را پیش از آنکه با آن روبه‌رو شوید سخت آرزو میکردید؛ پس آن را دیدید و [همچنان] نگاه میکردید.»



## بصیرت فرهنگی، زمینه ساز بصیرت سیاسی

بنابر این مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرف دار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدفها داریم حرکت میکنیم یا زاویه گرفته ایم و داریم از هدفها دور میشویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدمها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریان‌ها روشن میشود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به یافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت میکنیم؟ این خیلی مسئله‌ی مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد میکشانند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه میگیرد؛ بنابر این در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد. بعضی کوتاه نظری میکنند، کوتاه بینی میکنند و همه‌ی چیزها را منحصر میکنند در دوستی یا دشمنی با یک شخص. یک شخص یا یک جریان چه اهمیتی دارد؟ باید نگاه کرد، جریان شناسی کرد؛ در اغلب کسانی که پایشان میلغزد این [جور] است.

در ایام فتنه در سال ۸۸ در اوّل کار، بنده یکی از این سران فتنه را خواستم و به او گفتم که آقا جان، این کاری که شما شروع کرده‌اید و دارید میکنید، دست بیگانه‌ها خواهد افتاد و دشمن از این استفاده خواهد کرد؛ شما حالا بظاهر درون نظام هستید، با نظام هستید و به قول خودتان دارید یک اعتراض

مدنی - من باب مثال یک اعتراض به انتخابات - میکنید اما این کاری که دارید میکنید مورد استفاده‌ی دشمنانِ اصل نظام قرار خواهد گرفت؛ گوش نکرد؛ یعنی نفهمیدند که چه داریم میگوییم؛ حالا البته این نگاه خوشبینانه‌ی بنده است که میگوییم نفهمیدند، بعضی هم ممکن است جور دیگری فکر کنند. وارد شدند؛ بعد دیدید از درونش چه درآمد؛ گفتند «انتخابات بهانه است، اصل نظام نشانه است». خب، حالا عذر بیاوریم که اینها که یک مشت جوان بودند، یک چرندی، یک حرف بی ربطی گفتند؛ نه، این جور نیست. اگر چنانچه در زیر عبای بنده کسی حرفی بزند که من با آن مخالفم، خب بایستی او را زیر عبایم بیرون کنم؛ بایستی اعلام کنم که مخالفم و الا به حساب من گذاشته خواهد شد؛ همه‌ی وزن و وزانتی که صاحب عباد دارد، پشتوانه آن حرف خواهد شد. حرف، اینها است؛ ببینید! نگاه به مسائل جاری، این جور باید باشد؛ بصیرت سیاسی که ما میگوییم یعنی این. بفهمیم که چه کسی دارد ما را به کجا میرد، به کجا دعوت میکند، به کجا میکشاند. آیا به سمت اهداف اسلامی داریم حرکت میکنیم؟ به سمت تدین روز افزون جامعه داریم حرکت میکنیم؟ یا آن چنان که دشمن مایل است، به سمت بی‌مبالاتی بیشتر حرکت میکنیم، به سمت دل‌باختگی بیشتر به اقطاب<sup>۱</sup> مخالف دین داریم حرکت میکنیم. آن بصیرت سیاسی، این است. اگر چنانچه این را نفهمیدیم، آن وقت معلوم میشود که بایستی بازید باشیم یا با عمرو باشیم، یا از این حمایت کنیم یا از آن حمایت کنیم؛ در سایه‌ی این نگاه کلان باید فهمید. این هم یک مسئله است.

۱. قطب‌ها، جهت‌ها

## الزامات مسجد

### ۱) برقرار و دایر بودن مساجد در اوقات سه‌گانه نماز

یک نکته‌ای که بنده بارها این را عرض کرده‌ام، این است که مسجد بایستی برقرار باشد؛ که حالا خب [با توجه به] آمارهایی که بیان کردند، بحمدالله تا حدودی گویا این جور شده، تحقق پیدا کرده لکن باید کامل بشود. وقت نماز، مسجد باید باز باشد. هر سه وقت در مسجد باید نماز جماعت برگزار بشود؛ بنا را بر این باید گذاشت. حالا ممکن است بنده مثلاً فرض کنید توانایی ندارم که هر سه وقت بروم، خب یک نفر دیگر را حتماً آنجا بگذارم که سه وقت در این مسجد نماز اقامه بشود. و در مسجد از پیش از ظهر که باز میکنند برای نماز ظهر و عصر، تا شب بعد از نماز عشا باز باشد؛ این جور نباشد که در مسجد را ببندند. بنده شنیدیم بعضی‌ها میگفتند «عصری وارد تهران شدیم، نماز ظهر و عصر میخواستیم بخوانیم، در هر مسجدی رفتیم بسته بود»؛ البته مال چند سال پیش است؛ نه، مسجد باید باز باشد.

### ۲) ورود در مسائل سیاسی

یک نکته‌ی دیگر این است که بعضی‌ها مسجد را -بر خلاف آنچه ما حالا عرض کردیم- از مسائل سیاسی می‌خواهند بکلی بر کنار بدارند. [میگویند] آقا شما وارد سیاست نشوید، کار خودتان را بکنید. کار خودتان یعنی چه؟ یعنی بیایید همان نمازتان را بخوانید و بروید؛ فقط پیش نمازی محض. این همان سکولاریسم است. سکولاریسم به معنای بی‌دینی نیست، سکولاریسم به معنای این است که دین در غیر عمل شخصی، هیچ بروز و ظهوری نداشته باشد. نظام اجتماعی کاری به دین ندارد. بله، هر کسی در داخل نظام اجتماعی متنوع غربی و شرقی و امثال اینها خودش برای خودش، در دل خودش، در

عمل خودش یک ارتباطی با خدا داشته باشد؛ سکولاریسم یعنی این. این همان چیزی است که دشمنان میخواهند؛ دشمنان همین را میخواهند. آن دینی که با آن مخالفند، آن ایمانی که با آن می‌جنگند، آن ایمانی است که به ایجاد نظام اسلامی می‌انجامد و اسلام را قدرتمند میکند؛ با آن مخالفند. از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است، دارای ارتش است، دارای نیروی مسلح است، دارای توانایی‌های علمی است، دارای توانایی‌های بین‌المللی است. از این جور اسلامی می‌ترسند و الا از اسلامی که ولو یک میلیون طرف‌دار هم فلان جریان یا فلان حزب یک گوشه‌ای در یک کشور یا در سراسر دنیا داشته باشد اما قدرتی در اختیار ندارد، واهمه‌ای ندارند؛ کاری [در برابر آن] نمیکنند. آن اسلامی که با آن مقابلند، با آن مخالفند، با آن دشمن‌اند، کینه‌ی آن را در دل می‌پرورانند، اسلام مقتدر است. آن وقت ما بیاییم اسلام را در کانون‌های اصلی خود یعنی مساجد، از مسائل جامعه، از مسائل سیاست، از مسیر جامعه، از مسیر جامعه بکلی منصرف کنیم؟ این جفای بزرگی است در حق مسجد.

### ۳) جایگاهی برای جذب و استقرار جوانان در مسجد

یک نکته‌ی دیگر این است که بایستی برای جوانها جایگاه خاص در مسجد ایجاد کرد؛ یعنی واقعاً باید برای جذب جوان برنامه‌ریزی کرد. نه اینکه ما با حضور میان سال و پیر مرد در مسجد مخالفیم؛ نه، مؤمنین همه باید بیایند به مسجد و استفاده کنند، اما جوانها را باید جذب مسجد بکنیم. اینکه جوان مسجد را خانه‌ی خود و جایگاه خود بشناسد و به آن انس پیدا کند و رفت و آمد پیدا بکند، خیلی برکات دارد. کار را در جامعه جوانها انجام میدهند، پیشران

۱. جایی که کار بدان جا ختم میشود

حرکتهای اجتماعی جوانها هستند، اینها هستند که کار میکنند، تلاش میکنند. جاذبه‌ی برای جوان برخلاف آنچه بعضی تصور میکنند، گذاشتن میز پینگ پنگ نیست. بعضی خیال میکنند برای اینکه جوانها را جذب کنیم به مسجد، وسایل سرگرمی فراهم بکنیم؛ مثل همان جریانی که یک کلیسایی در آمریکا [انجام میداد] که آن نویسنده‌ی مصری میگوید رفتم دیدم که پای این کلیسا یک برنامه‌ای زده‌اند که مثلاً فرض کنید که امشب از ساعت فلان در سالن کنار کلیسا، آن طرف محراب، این برنامه‌ها هست: برنامه‌ی رقص است و آواز است و موسیقی است و یک شام سبکی است و آنس هست و مانند اینها. میگفت حساس شدم، رفتم دیدم بله، همین است؛ اینجا سالن کلیسا است، یک سالن هم بغلش هست مثل یک کاباره؛ دخترها، پسرها، مردها، میان سالها می‌آیند تماشا میکنند؛ دختر و پسرها هم میدان دارند. موسیقی هست، رقص هست، آواز هست، آخر سر هم کشیش آمد و چراغها را یک خرده‌ای کم کرد تا یک خرده کم نور بشود و فضا [خاص شود]، 'میگفت رفتم بیرون؛ فردا برگشتم آدمم آن کشیش را در کلیسا پیدا [کردم]؛ گفتم من دیشب در این جلسه‌ی شما بودم، آخر معنای این چیست؟ ایشان گفت: ای آقا، میخواهیم جوانها را جذب کنیم! جوانها را میخواهیم [جذب کنیم]!! اگر بنا است بارقص و آواز و موسیقی و امثال اینها جوان جذب بشود، خوب بروند همان کاباره، چرا بیاید اینجا؟

۱-۳) تصرف دل، راه جذب جوانان

راه جذب جوانها تصرف دل جوان است. دل جوان یک قیامتی است، اوضاعی است. گرایش جوان به معنویت یکی از آن رازهای بزرگ الهی است. یک حرف

۱. خنده‌ی حصار

معنوی را برای امثال بنده که بگویند، خب گوش میکنم، حدّا کثر اندکی تأثر پیدا میکنم، [اما] همان حرف را به یک جوان بزنند، منقلب میشود، از این رو به آن رو میشود. دل جوان حقیقت پذیر است، دل جوان به فطرت الهی نزدیک است؛ فطرت الله الّتی فطر النّاس علیها. <sup>۱</sup> دل جوان بانصایح و مطالب معنوی و سلوکی و عرفانی اُنس پیدا میکند، زود اُنس پیدا میکند، زود دلباخته و دل بسته میشود؛ جاذبه‌ی جوانها اینها است. شما سخن را، حرف را، اقدام را با معنویت، با عرفان واقعی، نه عرفانهای تخیلی و توهمی و صوری، یک مقداری آمیخته بکنید، خواهید دید جوان چطور مجذوب میشود و می‌آید. جاذبه‌ی جوان در مسجد اینها است. وَاَلاَ حَالاً یَکُ وَ سِیَلَه‌ی بَازِی هُمَ اَنجَافِ رَهِمَ کَرَدِیمَ، گذاشتیم، خب اگر بنا است برای بازی بیاید، برود در باشگاه بازی کند.

#### ۴) حفظ سرگذشت تاریخی و درس آموز مساجد

یک نکته دیگر هم عرض بکنیم؛ مساجد ما یعنی مساجدی که امروز خوشبختانه در نظام جمهوری اسلامی هستند و غالباً سی سال چهل سال عمر دارند، یک تاریخ شنیدنی و زیبایی دارند؛ غالباً این جور هستند. در این مساجد علمایی آمده‌اند، ائمه‌ی جماعتی آمده‌اند، رفتارهایی داشته‌اند، بر خوردهایی داشته‌اند، مؤمنینی در اینجا آمده‌اند، جوانهایی در اینجا تربیت شده‌اند، از اینجا بسیجهایی صورت گرفته، شهدایی [داده‌اند]، پیکرهای شهیدی به این مساجد برگشته‌اند؛ اینها تاریخ است، اینها سرگذشت‌های جذاب یک مسجد است؛ این سرگذشت‌ها را باید حفظ کرد. هر کدام از این مساجد میتواند یک سرگذشت واقعی جذاب درس آموزی داشته باشد برای کسانی که امروز در مسجدند و کسانی که فردا به این مسجد خواهند آمد؛ این را در قالبهای گوناگون - قالب

۱. سوره‌ی روم، بخشی از آیه‌ی ۳۰؛ «... همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است...»

کتاب، قالب مقالات مجله‌ای، قالب عکس، قالب کلیپ- میشود در آورد؛ اینها را میشود تبیین کرد. چقدر از این مساجد هستند که شهدای نام‌آوری در این مساجد تربیت پیدا کردند، بعد خارج شدند و در راه خدا به شهادت رسیدند؛ این تاریخ را ما بایستی حفظ کنیم.

## اساس روز مسجد بر اساس انقلابیگری

و فراموش نکنیم که «روز مسجد» اساساً یک روز انقلابی است؛ یعنی تشکیل این روز و تعیین این روز که به خواست و مطالبه‌ی جمهوری اسلامی بود و در سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان «روز مسجد» تصویب شد، به مناسبت آتش زدن مسجد الاقصی است؛ به مناسبت مقابله با دشمن صهیونیست است؛ اساس این روز یک چنین اساسی است؛ با این نگاه به روز مسجد نگاه کنید و حرکت را در این مسیر قرار بدهید.

من به شما عرض بکنم، علی‌رغم همه‌ی دشمنی‌هایی که امروز دارد میشود - که ما طبعاً آگاهی‌های خیلی وسیعی داریم نسبت به آنچه امروز دارد انجام میگیرد؛ چه در زمینه‌های سخت و چه در زمینه‌های نیمه‌سخت و چه در زمینه‌های نرم؛ چه در زمینه‌های آشکار و چه در زمینه‌های پنهان؛ خیلی کار دارد انجام میگیرد علیه نظام جمهوری اسلامی به شکل‌های مختلف - این کلمه‌ی طیبه که واقعاً «كَشَجَرَهٗ طَيِّبَهٗ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»،<sup>۱</sup> [یعنی] نظام جمهوری اسلامی روز به روز در حال استحکام بیشتر است. بحمدالله خدای متعال تفضلات خودش را بر ماها تمام کرده؛ ما بایستی شاکر باشیم، قدر نعمت الهی را بدانیم و با امید ان شاءالله در این راه پیش برویم. من نگاه که میکنم به جمع شما برادران عزیزی که اینجا تشریف دارید، احساس میکنم ان شاءالله آینده مساجد ما هم از گذشته‌ی آن بمراتب بهتر خواهد بود. امیدواریم خداوند شمارا مشمول لطف خود و هدایت خود و رحمت قرار بدهد.

۱. سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۴؛ «...مانند درختی پاک است که ریشه‌اش استوار و شاخه‌اش در آسمان است.»



مسجد نور و امید محله است و آبادانی مسجد به امام آباد گر است. اگر مسجد نور محله است، امام مسجد تراز اسلام هم نور مسجد و محور مسجد است. انسان الهی، محیط خود را روشن می کند و چشم امید جامعه، به مسجد است و چشم امید مسجد، به امام جماعتی است که باید مایه حیات و روح مسجد باشد.

آنچه که در ادامه، بدون تنظیم از باب اهمیت و اولویت، به عنوان ویژگی ها و شاخص های امام جماعت مسجد تراز تقدیم شده است، در صورت تحقق موجب عزت و کرامت مسجد نزد مومنین می شود و بدون تردید مساجدی که از امام جماعتی در این سطح برخوردار باشند، هرگز گرد مظلومیت و مهجوریت را بر خود نخواهند دید.

پروردگار متعال را شاکریم که بسیاری از مساجد از وجود چنین ائمه جماعتی برخوردارند و در طول سال مورد تکریم قرار می گیرند.



# شاخص‌های امام جماعت مسجد تراز اسلامی

.....  
گفتاری از حجت‌السلام والمسلمین محمد جواد حاج علی اکبری



## نیم‌نگاهی به شاخص‌های امام‌جماعت مسجد تراز

۱. در ارائه برنامه‌های الگوساز، برای جذب کودکان و نوجوانان به مسجد موفق است.
۲. شورای فرهنگی مسجد را تشکیل داده است و از این ظرفیت برای برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های فرهنگی - مذهبی، مناسبتی و جریان‌ساز مثل: کرسی‌های تلاوت، دهه تکریم و غبارروبی مساجد، روز جهانی مسجد و... استفاده می‌نماید.
۳. در ارائه برنامه‌های الگوساز، برای تقویت بنیان خانواده، همانند: خدمات مشاوره‌ای تخصصی، حل اختلافات، زمینه‌سازی برای معرفی جوانان هم‌کفو و مناسب از دواج به خانواده‌ها تلاش می‌کند.
۴. بی‌تکلف است و از نگاهی بانشاط و باطراوت برخوردار می‌باشد.
۵. فرهنگ دینی امر به معروف و نهی از منکر را در میان اهل مسجد تقویت می‌کند.

۶. روحیه اش انقلابی و شخصیتش مجاهد و خستگی ناپذیر است.
۷. سیره اش هماهنگ با سیره معیار و خلقش خلق نبوی است.
۸. امامت مسجد را از همه کارها مهمتر و مقدس تر میدانند.
۹. بنا بر نظر رهبر فرزانه انقلاب (دامت بر کاته) که فرمودند: هر کسی هر جا هست، باید آنجا را مرکز عالم بداند و آن کار را مهمترین کار به حساب بیاورد، مسجد خود را مرکز عالم میدانند.
۱۰. در مسجد حضور منظم دارد، قبل از همه مومنین در مسجد حاضر و بعد از همه مومنین از مسجد خارج می شود.
۱۱. از ظرفیت مسجد برای ترویج و گسترش اخلاق اسلامی در میان مومنین و اهل محل بهره می برد.
۱۲. مأمومین خود را به نام می شناسد و احوال آنها را می پرسد.
۱۳. به نظافت مسجد اهمیت می دهد و این امر را به تنهایی بر عهده خادم مسجد نمی اندازد.
۱۴. با برنامه وارد مسجد می شود، به مسجد نگاه نظام مند و برنامه ای دارد و تا سالهای آینده مسجد خود را در نظر گرفته و برای آن برنامه ریزی کرده است.
۱۵. با همسایه های مسجد ارتباط برقرار میکند و مراقبت می نماید که مسجد برای احدی مزاحمت نداشته باشد.
۱۶. به پشت پرده مسجد هم توجه دارد. بخش بانوان در مسجد او، منزوی و فراموش شده نیست، گاهی مراجعه میکند و به بررسی وضعیت می پردازد

و برای ارتباط مستمر با بخش بانوان مسجد، از محارم خود رابطی مشخص می‌نماید.

۱۷. جوانان مسجد را به عنوان بازوی خود و وزرای خود در مسجد محسوب مینماید، به ایشان احترام می‌گذارد، مسئولیت میدهد و مسئولیت می‌خواهد.

۱۸. برای اداره مسجد، از توان و ظرفیت موجود در محله و محیط پیرامونی استفاده می‌کند. روحانیون محله را شناسایی می‌کند، خدمتشان می‌رسد و از ایشان برای حضور در مسجد دعوت می‌کند و گاهی منبر و محراب را به ایشان می‌سپارد.

۱۹. شهدای مسجدش را به خوبی می‌شناسد و سوابق، خاطرات و شخصیت‌شان را می‌شناساند. با خانواده شهدا مانوس است، به خانه‌های آنها رفت و آمد دارد و جویای احوال پدران و مادران پیرشان هست و خانواده شهدا را تکریم میکند.

۲۰. با فناوری‌های جدید ارتباط برقرار کرده، آشنا شده و برای مطالعه، پژوهش و حتی برای اداره مسجد، متناسب با شأن و نیاز، از امکانات نوین بهره‌مند می‌گردد.

۲۱. استعداد‌های مسجدی خود را می‌شناسد و از توانمندی و تجربه ایشان در امورات و کارهای مسجد استفاده می‌کند.

۲۲. هیئت امنای شایسته، با ترکیب مناسب انتخاب می‌کند و جمع آنها را با تدبیر اداره می‌کند.

۲۳. در شرایطی که با مشکلات عاطفی زیادی روبرو هستیم، محور جمع مسجدی‌ها است و بین آنها اخوت، برادری، مهربانی و صمیمیت ایجاد می‌کند.

۲۴. در پاسخگویی به سوالات مومنین مسجد، مخصوصاً جوان‌ترها، با حوصله وقت می‌گذارد.

۲۵. قرائت نمازش را به عنوان یک مسئله جدی، مرتب بررسی می‌کند.

۲۶. فضای مسجد را قرآنی می‌نماید. هم تلاوت روزانه دارد، هم کرسی تلاوت دارد، هم جلسه تفسیر دارد، هم جوانان را به حفظ تشویق می‌کند و بالاخره برای تدبیر در قرآن راهنمایی می‌کند.

۲۷. به آراستگی ظاهر خود و به زیبایی عمامه خود، توجه دارد و به معطر بودن هنگام حضور در مسجد هم توجه می‌کند.

۲۸. به نشاط جسمی، به چابک بودن و به ورزش کردن اهمیت میدهد و به این ترتیب، مسجد را با نشاط می‌کند.

۲۹. منتظر نمی‌ماند اهالی محل بیایند مسجد و خدمت برسند، بلکه سراغ آنها می‌رود که به مسجد نمی‌آیند، می‌رود.

۳۰. با مغازه‌داران و کسبه محل، ارتباط برقرار می‌کند و برای بیان احکام کسب و کار و تجارت، صبر نمی‌کند آنها به مسجد بیایند، بلکه به مغازه‌ها مراجعه می‌کند.

۳۱. با مدارس محل خود ارتباط برقرار می‌کند، اطلاع دارد که چند مدرسه در همسایگی مسجد هست در مقاطع مختلف، بچه‌ها را به مسجد دعوت کرده، خود را معرفی می‌نماید، با معلمان جلسه منظم دارد و از دانش‌آموزان



ممتاز در مسجد تقدیر می نماید.

**۳۲.** با مساجد اطراف خود ارتباط برقرار کرده و در قالب شورای ائمه جماعات و ارتباطات ناحیه ای، منطقه ای و محله ای، به تقویت انسجام روحانیون و تشکیل شبکه ای تعریف شده و هدفمند، کمک مینماید.

**۳۳.** به مسائل مالی مسجد نظارت دارد. ثبت دقیق ورودی و خروجی مالی مسجد و درآمدها و تنظیم دفاتر مالی را از مسئول مالی هیئت امناء مطالبه می نماید.

**۳۴.** تربیت فکری مخاطبان خودش را دست کم نمیگیرد.

**۳۵.** در هر مقطع زمانی پنج ساله، یک دوره تفسیر قرآن کوتاه، یک دوره شرح نهج البلاغه، یک دوره ترجمه تفسیری صحیفه سجادیه و یک دوره احکام رساله به مخاطبان خود ارائه مینماید.

**۳۶.** فرمایش های رهبر عزیز و عالیقدرمان را با دقت و نه فقط برای بهره شخصی، بلکه به منظور انتخاب موضع و مأموریت گوش می کند، مطالعه می کند، به سایت ایشان مراجعه می کند، استنباط میکند و به روز، این مسائل را در مسجد تبیین می نماید.

**۳۷.** برای مومنین مسجد روشنگری میکند، در مورد مسائل روز، مسائل جهانی و مواضع داخلی به عنوان یک امام قوی و روشنفکر، توان سازماندهی انقلابی مسجد خود را دارد.

**۳۸.** با آثار و دیدگاه های امام راحل عظیم الشان علیه السلام آشنا و مانوس است و برای پاسخگویی به شبهات نسل جوان و مخاطبان خود، مراجعات مستمری

به آثار شهید مطهری رحمته الله علیه دارد، با حسن سلیقه مضامین را انتخاب میکنند و رونق علمی به مسجدش می بخشد.

۳۹. برای سخنرانی و ارائه مطلب به مومنین، بهترین محتوا را از امین ترین منابع و کتاب ها انتخاب میکند.

۴۰. عزت نفس دارد و خودش را تحت هیچ شرایطی به نماز گزاران تحمیل نمی کند.

۴۱. در شرایط سخت مالی و اقتصادی، کوچکترین نکته ای که حکایت از نیازش باشد، نزد اهل مسجد و هیأت امناء به زبان جاری نمی کند و از مناعت طبع و روحانیت پاسداری می کند.

۴۲. به احوال خادم مسجد هم توجه دارد و می داند که خادم، یکی از موثرترین افراد در مسجد است. او را زیر نظر دارد، به او محبت دارد، نظم و رفتار در شأن نماز گزاران را از او مطالبه میکند، در حقش دعا میکند و به او رهنمود میدهد.

۴۳. اقامه نماز صبح مسجد را جدی گرفته است. از اینکه افراد کمی در نماز صبح شرکت کنند، ناراحت نمی شود.

۴۴. یاد حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) را مبتنی بر معارف روشن و دقیق، همراه با عواطف، زنده نگاه می دارد و مسجد را به شعبه ترویج معارف مهدوی مبدل می کند.

۴۵. مسجد را کانون حیات طیبه، مرکز نشر معارف ناب و مروج سبک زندگی اسلامی میداند.

۴۶. از نفوذ معنوی و نورانیت مسجد برای حل و فصل اختلافات میان مومنین استفاده میکند.

۴۷. به ظرفیت مسجد برای سازماندهی کارهای خیر خواهانه و دستگیری از نیازمندان توجه دارد.

۴۸. به سه وعده نماز مسجد اهتمام دارد.

۴۹. به پایگاه بسیج مسجد نگاه پدران و نیروسازی دارد و از این ظرفیت برای تحقق اهداف مسجد بهره برداری می نماید.

۵۰. از توان و ظرفیت مشارکت مردمی برای باز نگه داشتن در مسجد، از ظهر تا مغرب استفاده می نماید و در این امر ولایی و ضروری، موفق است.



۵۰ ویژگی امام جماعتی که  
مدیر طبیعی مسجد است



## مقدمه

تعبیر لطیف و دقیق رهبر فرزانه انقلاب از این معنا که امام جماعت «مدیر» مسجد است، از یک منظر برای کار گزاران و نماز گزاران اتمام حجت تلقی می شود و با خطابی که مخاطب مشخص دارد، تکلیف نحوه اداره مطلوب خانه های خدا را به عنوان مهم ترین رکن از ارکان جامعه و نظام اسلامی روشن می نماید.

لیکن از منظری دیگر، مفهوم مدیریت تراز در مسجد، مقید به قیدی شده که مستقیماً ائمه جماعات را مخاطب قرار داده است و گاهی به اندازه اهمیتی که دارد مورد توجه و عنایت قرار نمی گیرد.

## مدیریت طبیعی

مرجع دوران دیش و ژرف نگرمان، «مدیریت طبیعی» را برای مسجد پسندیده اند و مفهوم جدیدی از مدیریت را پیش روی ما قرار داده اند که به واکاوی، تحلیل و تبیین نیاز دارد. هر چند در علم مدیریت نوین، بساری از شاخص های مطلوبیت، قرین با مقبولیت فرض شده است و تقویت میل به اقناع در عوض

ابلاغ و تکریم در عوض تحکم را در دستور کار مدیران موفق قرار داده شده است، اما واژه مدیریت طبیعی از چنان عمق و لطافتی برخوردار است که نمی توان با انطباق بسیط اصطلاحات رایج مدیریتی، حق مطلب را در این ارتباط ادا نمود. نکته قابل ذکر پیش از ورود به بحث اصلی اینکه: ریشه یابی بسیاری از اختلافات حرمت شکنی ها و کدورت های دور کننده قلوب مومنین از یکدیگر، در فضای مساجد، به تلقی ناقص امام جماعت از مدل مدیریت در مسجد و نادیده گرفتن ابعاد و مولفه های مترتب بر آن باز می گردد و مع الاسف فرصت ارزشمند و میدان عمل گسترده ای که با تدبیر ولی امر مسلمین پیش روی ائمه جماعات قرار گرفته است، به تهدید مبدل می کند.

رجعت آزار دهنده برخی مساجد از مدل عصری با محوریت امام، به مدل اداره سنتی با محوریت امنا، در حقیقت عکس العمل قابل پیش بینی ناشی از درک غلط، از مفهوم مدیریت طبیعی امام جماعت محسوب می گردد که عرصه مثبت رقابت کار گزاران و مردم با یکدیگر برای جلب محبت و توجه امام جماعت و تامین نظرات و منویات روحانی محل را به صحنه منفی منازعه چند ضلعی برای تصاحب کرسی قدرت بلا منازع در مسجد پیش چشم مردم نگران و شگفت زده و برانگیخته از نظر احساسات تبدیل می نماید.

البته عاقبت محتوم این تنازع بقا بر کرسی قدرت، بدون تردید ممات روح معنوی مسجد و شکستن قداست خانه خدا خواهد بود.



## اعمال مدیریت طبیعی در مسجد، باچه ویژگی‌ها و مهارت‌هایی؟

مدیر طبیعی مسجد کیست؟ پاسخ این سؤال مهم را در ۵۰ نکته زیر باید جستجو نمود:

۱. مدیریت محتوایی و معنوی مسجد را، خردمندان، مسئولان و عاشقانه انجام می‌دهد.
۲. مدیریت طبیعی مسجد، از جنس مدیریت فکری و راهبری معنوی است، لذا در جزئیات غیر ضروری دخالت نمی‌کند.
۳. مدیریت طبیعی در مسجد، ماهیتی مانند ماهیت مدیریت پدر در خانواده را دارد.
۴. خود را مهمان دار در خانه خدای داند و با تمام وجود اعتقاد دارد که صاحب خانه نیست.
۵. مدیر طبیعی خود را تافته جدا بافته از دیگران نمی‌داند، جز در محراب و منبر، همراه و در کنار مردم است و گاهی همراه آنها در سرویس بهداشتی مسجد وضو می‌سازد و گاهی اذان می‌گوید، گاهی در آشپزخانه و آبدارخانه در کارها مشارکت می‌کند و با حضور در نقاط مختلف مسجد، علاوه بر تالیف قلوب، وظیفه نظارتی خود را از صدر تا ذیل انجام می‌دهد.
۶. مدیر طبیعی، مطالعه انسان‌ها را بر مطالعه کتب؛ و مطالعه مخاطب و نیازشناسی او را بر مطالعه منابع، مقدم می‌شمارد.
۷. مدیر طبیعی، عمیقاً و صادقانه برای مخاطب احترام و ارزش قائل است و خود را خادم معنوی او می‌پندارد.

۸. مدیر طبیعی، به ندای دل مخاطبان گوش می‌سپارد و برای زبان تلخ و شیرین نماز گزاران، به تنهایی اصالتی قائل نیست.

۹. مدیر طبیعی مسجد، در فضای خصوصی، داخلی و خانوادگی به اندازه جلوه بیرونی و اجتماعی و مسجدی، مقبولیت و محبوبیت دارد و خانواده‌وی پیشتاز و شائق برای اقتدا به او در منزل و مسجد هستند.

۱۰. فضل علمی و وجاهت معنوی او، تنها از پس پرده تواضع و فروتنی جلوه‌گری و دلبری می‌نماید.

۱۱. وجود مدیر طبیعی با حضور پر رنگ در مسجد، اخذ به قوت و اقامه سه وعده نماز محقق و به رسمیت شناخته می‌شود. لذا بر خلاف سایر عرصه‌های مدیریت، عدم تمرکز امام در مسجد با تحکم و تحمیل قابل جبران نخواهد بود.

۱۲. «عدالت» شرط لازم برای به رسمیت شناختن مدیر طبیعی از منظر مخاطبان است، حال آنکه در سایر عرصه‌های مدیریت، قاطعیت به تنهایی می‌تواند منجر به تبعیت گردد.

۱۳. مدیر طبیعی مسجد، مرزی برای انجام ماموریت‌های ذاتی قائل نیست و فراتر از مسجد، محله را نیز همراه با تمام اجزای آن، اعم از اماکن مسکونی، تجاری، اداری، آموزشی و به تبع آن اقشار مختلف را در دایره تدبیر مدیریتی خود لحاظ می‌کند و از چنان وجاهتی برخوردار است که نه تنها برای چنین ورودی بارضا و رغبت استقبال می‌شود، بلکه برای این امر تحت فشار مطالبات شیرین قرار دارد. در حالی که مدیران در سایر عرصه‌ها، مجال یا انگیزه ورود به خارج از حیطه مدیریتی خود ندارند.

۱۴. حسن خلق و جلب محبت باطنی و قلبی مأمومین، شرط لازم برای موفقیت مدیر طبیعی است در حالی که در سایر عرصه‌های مدیریتی، این صفات، صرفاً تسهیل‌گر محسوب می‌شوند.

۱۵. مدیر طبیعی، با هیچ فردی در هیچ جایگاه و موقعیت اجتماعی رقابت ندارد، بلکه دائماً رصد می‌کند تا تا افراد توانمندتر از خود را برای کسب فیض بیشتر نماز گزاران با مسجد مرتبط نماید. از این رو، حفظ جایگاه مدیریتی به هر قیمتی، هدف محسوب نمی‌شود.

۱۶. مدیر طبیعی، همیشه از نظر روحی، مہیای هجرت به منظور تامین مصالح مهم‌تر در حوزه ماموریتی خود است. خود را به مردم تحمیل نمی‌کند و نمی‌پسندد که صرفاً تحمل شود. مدیر طبیعی، گلی است که با عشق و محبت معنوی نماز گزاران سیراب می‌شود و طراوت دارد و چون از او به حق یا ناحق دریغ نشود، برای جلوگیری از پژمردگی روحی خود، مایه حیات خود را در محراب دیگری جستجو می‌کند.

۱۷. مدیریت طبیعی کار و فعالیت در مسجد را شغل نمی‌داند، بلکه این نعمت را بابتی از ابواب کفالت ایتم آل محمد صلی الله علیه و آله در دوره غیبت محسوب می‌کند و تامین معیشت خانواده که خود جهاد محسوب می‌شود را از سر اخلاص به کار فرمای اصلی، یعنی صاحب و مولای خود می‌سپارد.

۱۸. رسیدگی به شئون ظاهری و اجتماعی نماز گزاران و اهل محل را کافی نمی‌داند و برای شئون معنوی، مشکلات و زندگی خصوصی ایشان دغدغه داشته و دلسوزی می‌کند. با شادی مومنین همراهی و برای غم ایشان چاره جویی یا همدردی می‌کند.

۱۹. احترام مخاطبان به شخصیت حقوقی امام جماعت را کافی نمی‌داند و با خودسازی، توکل و توسل، سرمایه اجتماعی را به موازات و متوازن، معطوف به شخصیت حقیقی خود نیز می‌نماید. لذا پیش از اینکه امامی مقبول باشد، انسانی معقول و محبوب است.

۲۰. غرور و تکلف ندارد و در نظافت مسجد و عمل به مضمون روایات متعدد در این ارتباط، بدون افراط و تفریط، با قصد قربت، مشارکت می‌نماید. در حقیقت تاسی به سیره بزرگان را مانند مرحوم آیت الله برهان رحمته الله علیه که در پاکیزه کردن سرویس بهداشتی مسجد بر دیگران سبقت می‌گرفتند، بر خود واجب می‌داند.

۲۱. بر خلاف سیره مرسوم برخی مدیران غیر مسجدی، اجازه نمی‌دهد یاد و نام مدیران و ائمه جماعات پیش از خودش و خدمات ایشان در دل و ذهن مردم کمرنگ شود، لذا از بابت تکریم و حفظ عزت و آبروی خود در میان نمازگزاران، چه در جایگاه امامت و چه بعد از آن دغدغه‌ای ندارد.

۲۲. مدیر طبیعی، مستمعین را ناچار و مجبور به استماع سخنان خود در هر سطح و شکلی نمی‌داند، بلکه با اختصاص وقت کافی برای مطالعه و تولید محتوای تازه و متناسب با میل، نیاز و مصلحت اقشار مختلف مخاطبان، ضمن تسلط بر فن بیان و جذاب سازی محتوای قابل ارائه، آتش شوق به شنیدن را در دل نمازگزاران برافروخته نموده و ایشان را برای دریافت معارف الهی تحریر می‌نماید.

۲۳. مسجد را به عنوان عرصه مدیریت خود و البته به عنوان امانت بی بدیل الهی، حی، زنده، مربی بالاستقلال و دارای روحی ناظر و شهادت دهنده به

اعمال، رفتار و نیت امام و ماموم به رسمیت می‌شناسد و در این رابطه ایمان قلبی دارد، بر خلاف سایر مدیران که برای فضای کالبدی محل خدمت خود ارزشی قائل نیستند. لذا در بیان مستمر فضائل مسجد و یادآوری مداوم آیات و روایات و احکام مرتبط با مسجد، اهتمام دارد.

**۲۴.** مدیر طبیعی متکلم و حده نیست و مهارت شنیدن را در خود تقویت می‌نماید. مدیر طبیعی قلباً اعتقاد دارد که برای پیشبرد مقاصد معنوی خود در مسجد و برقراری ارتباط عاطفی با مخاطبان، بیش از گفتن به شنیدن نیاز دارد.

**۲۵.** مدیر طبیعی، نظر و فهم خود را حجت و لازم‌الاتباع نمی‌داند، بلکه عمیقاً برای نظرات دیگران ارزش قائل است و سلیقه دیگران را بر خود مقدم می‌شمارد.

**۲۶.** در مواردی که مصلحت بالاتری اقتضا می‌کند که تصمیم آخر را اتخاذ نماید یا از بروز انحراف و مشکلی جلوگیری کند، با حوصله و صبوری دلایل تصمیم‌مدیریتی خود را برای افراد دغدغه‌مند، در هر موقعیت سنی و تجربی تشریح می‌نماید. مدیر طبیعی موجبات رشد اطرافیان خود را به لحاظ ادراکی و تجربی فراهم می‌نماید، در حالی که سایر مدیران، اغلب، به اصل فرمان‌پذیری زیردستان اکتفا می‌کنند.

**۲۷.** مدیر طبیعی، مهارت، دانش و تخصص دیگران را به رسمیت می‌شناسد و در امور عمرانی، فنی، مالی، حقوقی که معمولاً در مساجد مورد نیاز هستند، زمینه استفاده از نخبه‌گان محلی را فراهم می‌نماید. در حالی که سایر مدیران اغلب ترجیح می‌دهند، در همه زمینه‌ها یک‌تازی و اظهار نظر نمایند و افراد قدبلند و صاحب‌فکر را از اطراف خود دور می‌کنند.

۲۸. مدیر طبیعی محدودیت ساعت و سقف زمانی برای خدمت رسانی به نیازمندان قائل نیست و در مسجد خود، همانند ادارات، مازاد بر اقتضائات عرفی، ساعت ورود و خروج برای استفاده مومنین تعیین نمی کند.

۲۹. مدیر طبیعی به اطرافیان خود خوش گمان است و حسن ظن دارد، اهل تغافل در مواجهات تربیتی است و هرگز مچ گیری و سرزنش را برای برادران و خواهران دینی خود شایسته نمی داند. اما برخی از مدیران دیگر، همواره نگران افکار و اعمال اطرافیان خود بوده و دغدغه توطئه چینی و سوء استفاده و سوء عملکرد دیگران را دارند.

۳۰. مدیران گاهی برای تامین منابع مالی و امکانات مورد نیاز حوزه مدیریت از هر روش در دسترس بهره می برند، اما مدیر طبیعی، حفظ عزت و کرامت خود را در درجه اول اهمیت در نظر می گیرد و تلاش می کند، به جای منابع مالی رسمی و دستگاهی و حتی استفاده از درآمد رقبات، از پشتیبانی مردمی به عنوان اصیل ترین و پاکیزه ترین منبع حیاتی استفاده نماید.

۳۱. مدیران گردش مالی زیر مجموعه خود را محرمانه تلقی کرده و از اطلاع رسانی عمومی در این رابطه استنکاف دارند ولی مدیر طبیعی ضمن حفظ جایگاه نظارتی و پرهیز از دخالت مستقیم در امور مالی، از شفاف سازی حداکثری در خصوص درآمد و هزینه مسجد استقبال کرده و مردم را در مسجد و تمام شئون مترتب بر آن صاحب حق و محرم می داند و از این طریق سرمایه اعتماد عمومی را به صورت روزافزونی ذخیره می نماید.

۳۲. مدیر طبیعی، بهره مندی حداکثری مخاطبان از سقف امکانات و بضاعت مسجد را بر ذخیره سازی و انباشت منابع مالی ترجیح می دهد.

۳۳. مدیر طبیعی، عمران معنوی مسجد را مقدم بر عمران مادی می‌داند، هر چند که از اهمیت زیباسازی، بهداشت و ایمنی مسجد و ایجاد تسهیلات لازم جهت روانسازی و جذاب سازی بهره برداری اقشار گوناگون مثل کودکان، بانوان، سالمندان، جانبازان و... غافل نیست.

۳۴. مدیر طبیعی با کالبد و روح مسجد انس معنوی دارد، ولی وابسته نیست. صوت تلاوت قرآن امام مسجد، هر روز در آن فضای دلنشین طنین انداز می‌شود و نوای مناجات سحر امام، رونق بخش اقامه نماز جماعت صبح، می‌شود. اما سایر مدیران تعلق خاطر معنوی به فضای کاری خود ندارد.

۳۵. مدیر طبیعی، اتحاد و انسجام حداکثری مخاطبان خود را به عنوان فرصتی ارزشمند، تقویت می‌کند ولی برخی مدیران دیگر، همدلی و اتحاد زیر مجموعه خود را تهدید می‌انگارند.

۳۶. حلقه معتمدین درجه اول مدیران معمولاً محدود و بسته است، لیکن حلقه معتمدین و فعالان با تدبیر مدیر طبیعی مسجد، هر روز گسترده تر می‌شود و همه نماز گزاران در اداره مسجد احساس مشارکت دارند یا حداقل مسیر نقش آفرینی را هموار و در دسترس می‌بینند.

۳۷. در حیطة تحت اشراف مدیر طبیعی، خادم پایین ترین رده هرم تشکیلاتی نیست، بلکه از بالاترین، محترمانه ترین و حساس ترین جایگاه برخوردار است. امام مسجد خادم را برادر دینی و عزیزترین و نزدیکترین فرد به خود در مسجد می‌داند، مشکلات او را مشکل خود می‌پندارد و در حد مقدور، برای کاهش مشکلات خادم در زندگی خانوادگی تلاش می‌کند.

۳۸. مدیر طبیعی آحاد نماز گزاران مسجد خود را می شناسد و از کنار عدم حضور افراد در نماز صرفاً با ثبت غیبت در ذهنش عبور نمی کند، بلکه جویای حال و احوال مومنین است و در صورت لزوم و به هنگام سرکشی از بیماران و نیازمندان را در دستور کار خود قرار می دهد.

۳۹. مدیران گاهی دیرتر از دیگران آمدن و زودتر رفتن را از شئونات منحصر به خود فرض می کنند، ولی مدیر طبیعی شان خود را بازودتر از دیگران به مسجد آمدن و دیرتر از دیگران از مسجد خارج شدن، روز به روز، در پیشگاه خدا و خلق خدا افزون می نماید.

۴۰. مدیر طبیعی، سائل توجه، تحسین، تمجید و تقدیر انسان ها نیست، صرفاً دلخوش به رضایت صاحب مسجد است و حب او را از سر اخلاص گدایی می کند.

۴۱. مدیر طبیعی در هر موقعیت سنی، تجربی و علمی خود را از توسعه معلومات و تکمیل مهارت های مسجد داری، مستغنی نمی داند فلذا رشد مستمر دارد، ولی بسیاری از مدیران دیگر با خطر احساس استغنائی کاذب و در نتیجه رکود و سقوط رو بر وهستند.

۴۲. مدیر طبیعی در هر شرایطی راز دار و محرم اسرار مومنین است، ولی برخی مدیران دیگر از اطلاعات خصوصی و محرمانه افراد برای اعمال فشار یا قدرت نمایی، سوء استفاده می کنند و برای حفظ منافع خود یا از میدان به در کردن معارضین، از افشای اسرار ایشان ابایی ندارند.

۴۳. مدیر طبیعی برای بر آوردن حاجات مومنین، منتظر مطالبه نمی ماند، بلکه همانند پدری که در تشخیص نیاز فرزند خود پیش قدم است، فرزندان



معنوی خود را مراقبت می نماید.

۴۴. سایر مدیران، همواره ارتقای مقام و استقرار در پست‌های مدیریتی مهم تر را آرزو می کنند، اما مدیر طبیعی، امامت مسجد را منتهای نعمت الهی و غایت توقع خود از دنیا و آخرت می داند و میلی جز خدمت در محراب و خانه خدا در دل ندارد.

۴۵. مدیر طبیعی، شیرین تر از عسل و سخت تر از سنگ است.

۴۶. مدیر طبیعی بر دبار در مقابل آزار دیگران و روی گردان از کینه است.

۴۷. مدیر طبیعی حرکاتش لطیف و دیدارش برای مومنین بهجت آفرین است.

۴۸. مدیر طبیعی بزرگترهای قوم و محل را گرامی می دارد و پناهگاه کوچکترها است.

۴۹. سنجیده سخن می گوید و در کنترل زبانش توانمند است.

۵۰. مدیر طبیعی بر آداب معاشرت تسلط دارد و به عنوان اسطوره و الگوی ادب شناخته می شود.

